

توهم تقلب

نگاهی به برخی شبهات در
انتخابات ریاست جمهوری دهم

به کوشش کمیته مردمی حراست از آرای مستضعفین

www.Teribon.ir

بخش اول: مقدمه

مدتها قبل از برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری، شواهد و قرائن متعددی بیانگر این مطلب بود که جریانی (در خارج و داخل کشور) برای براندازی نرم انقلاب اسلامی تلاش و برنامه ریزی می نماید. شواهدی از قبیل: تشکیک در سلامت انتخابات، تشکیل کمیته صیانت از آرا، افزایش مطالبات عمومی، سیاه نمای اوضاع کشور، هجوم به گفتمان انقلاب، سلب اعتماد عمومی نسبت به نظام و مسئولین، به صحنه آمدن همه مخالفان نظام، پیش بینی زودهنگام پیروز انتخابات، استفاده از رنگ خاص، حضور مردمی در خیابانها و سردادن شعارها و ... (که همگی مواردی هستند که در انقلابهای رنگی اخیر در کشورهایی نظیر گرجستان، اوکراین و ... پیاده شده و نتیجه داده اند.) نمی خواهیم ادعا کنیم که نامزد معین یا جریان خاصی در داخل کشور، با هماهنگی خارج، همه این برنامه ریزی ها را انجام داده و پیگیری نموده است؛ اما آنچه از شواهد نتیجه می گیریم این است که در خوشبینانه ترین حالت، عوامل بیگانگان و دشمنان خارجی از فضای ایجاد شده در بدنه حمایتی از یک نامزد خاص استفاده نموده و ضمن رخنه به آن، با ایجاد جوی قوی و تأثیرگذار بر تصمیم گیرندگان آن جریان، روند تبلیغات و برنامه های آنها را به سمت دلخواه خود پیش برده اند و در درون این جریان نیز عده ای آگانه و برخی ناآگاهانه، همراهی با این جریان را به نفع خود دیده اند. مهمترین بخش برنامه آنها (که کاملاً قابل پیش بینی بود) و به سرعت پرده از آن برداشته شد و در منظر دیدگان قرار گرفت، القای شبهه تقلب در انتخابات و به سبب آن ایجاد آشوبهای خیابانی بود تا از این طریق با نافرمانی مدنی از داخل و پشتیبانی رسانه ای و دیپلماسی از خارج، فشار مضاعفی بر نظام وارد آورده و به اهداف مورد نظر خود دست یابند. لطف پروردگار، عنایت حضرت ولیعصر (عجل ...) تعالی فرجه الشریف)، هوشیاری و صلابت مقام معظم رهبری و حضور آگاهانه ملت ایران، بار دیگر برگ زرینی آفرید و تلاش چندین و چندباره استکبار جهانی برای منحرف کردن حرکتی که رهبری مستضعفان جهان را بر عهده دارد، ناکام گذاشت. در اینجا قصد تحلیل اتفاقات و رخدادهای فوق را نداریم؛ تنها می خواهیم به پوشالی بودن ادعای تقلب در انتخابات ایران بپردازیم و مهمترین ابزار جریان برانداز را به چالش بکشیم. در ادامه ضمن مروری بر نحوه برگزاری انتخابات در ایران، به مهمترین شبهاتی که در این باره مطرح شده است (صرفنظر از وجود هرگونه سند و مدرک معتبر از جانب مطرح کنندگان آنها) پاسخ داده شده است. نگارنده معتقد است که هر کس با روند انتخابات در ایران آشنایی اندکی داشته باشد، قطعاً امکان تقلب تأثیرگذار در آن را منتفی خواهد دانست؛ همانگونه که معترضین کنونی، در دوره های قبل، بر این نکته تأکید می نموده اند.

بخش دوم: مروری بر نحوه برگزاری انتخابات

- ۱- مطابق ماده ۴۷ قانون انتخابات، مجریان و افرادی که کار هر صندوق رأی گیری را انجام می دهند از میان معتمدین و فرهنگیان، انتخاب می شوند. علاوه بر این، ناظران شورای نگهبان و نمایندگان نامزدهای مختلف نیز بر سر هر صندوق حضور خواهند داشت. با این حساب حاضران در محل هر صندوق، به حدود ۱۴ تا ۱۷ نفر می رسند که همگی باید فرم ۲۲ (حاوی اطلاعات برگزاری انتخابات در آن صندوق) را امضا نمایند. در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری تعداد مجریان بیش از ۶۰۰ هزار و نمایندگان نامزدها بیش از ۹۰ هزار نفر بوده اند. ادعای تقلب به این معنا است که اولاً این تعداد افراد در تقلب نقش داشته اند (و اگر هم مستقیماً درگیر نبوده اند، از انجام این جرم اطلاع نیافته اند) و ثانیاً تاکنون هیچ یک از آنها عذاب وجدان نگرفته و به انجام این فعل مجرمانه اقرار نکرده اند!
- ۲- مطابق قانون برای برگزاری انتخابات، حضور ناظر شورای نگهبان در تمامی مراحل الزامی است. اما قانون به مجریان اجازه داده است که اگر نماینده کاندیداها سر صندوق حاضر نشد و یا به هر علتی محل را ترک کرد، انتخابات را برگزار نمایند.
- ۳- صندوقهای اخذ رأی در حضور مجریان، ناظران و نمایندگان کاندیداها، در محل شعبه و در ساعت مقرر پلمپ می شوند. هر صندوق سه نوع پلمپ دارد: ۴ عدد توسط وزارت کشور، ۴ عدد توسط شورای نگهبان و یک عدد توسط حراست وزارت کشور. (۴ عدد در هنگام پلمپ اولیه و ۵ عدد در پلمپ ثانویه نصب می شوند). پلمپهای هر ارگان، برای هر صندوق دارای شماره سریال منحصر به فرد است و ناظران و نمایندگان هر نامزد می توانند آنها را یادداشت نمایند تا از عدم تعویض صندوق در هنگام شمارش آرا اطمینان پیدا کنند. پس از پایان شمارش آرا، پلمپهای اولیه در داخل هر صندوق قرار می گیرند و مجدداً به همان صورت قبلی، پلمپهای جدید با شماره سریال جدید و

منحصر به فرد، به صندوقها نصب می شوند. بنابراین در هنگام بازشماری آراء، با بررسی شماره سریال پلمپهای اولیه و ثانویه می توان از عدم تغییر و یا تعویض صندوقها مطمئن شد.

۴- تعداد تعرفه هایی که برای هر صندوق در نظر گرفته می شود بر مبنای آخرین دوره رأی گیری در آن محل و میزان افزایش جمعیت با یک ضریب اطمینان برای عدم کمبود تعرفه، محاسبه می شوند. بنابراین هر صندوق، تعدادی تعرفه بیشتر لازم دارد و این تعداد در کل کشور مقدار مشخصی خواهد بود که در تمامی ادوار انتخابات در نظر گرفته می شده است. در این دوره برای بیش از ۴۶ میلیون واجد شرایط، بیشتر از ۶۰ میلیون تعرفه چاپ شده است که از این تعداد: حدود ۴۰ میلیون رأی شمرده شده است، تعداد معینی تعرفه استفاده نشده در انبار وزارت کشور و انبار استانداری ها موجود و در دسترس است و بقیه نیز در صندوقهای پلمپ شده، موجود می باشند. تمام موارد فوق به علاوه کلیه قراردادهای چاپ تعرفه، توسط هیئت سه نفره ای از جانب شورای نگهبان طی مدت دو روز بررسی شده است و تطابق آنها ثابت شده است. باید توجه داشت که حضور بی سابقه مردم در انتخابات، از مدتها قبل از روز برگزاری، کاملاً مشهود بود و نامزدهای انتخاباتی نیز تأکید فراوانی بر انتشار حداکثری تعرفه داشتند تا کمبودی اتفاق نیفتد. (لازم به ذکر است که در انتخابات نهم ریاست جمهوری نیز ۱۲ میلیون برگ رأی، بیشتر از میزان واجدین شرایط، چاپ شده بود).

۵- از جمله مواردی که در فرم ۲۲ به امضای مجریان، ناظران و نمایندگان نامزدها می رسد عبارتند از: تعداد تعرفه ای که به صندوق تحویل داده شده است، تعداد رأیی که توسط افراد به صندوق ریخته شده است، تعداد ته برگهایی (ته سوش) که باقی مانده است، تعداد آرای هر نامزد به تفکیک و ... بنابراین امکان ریختن رأی، قبل از پلمپ یا بعد از آن، به هر تعداد و نحوه ای، وجود ندارد و کوچکترین دخل و تصرفی در تعداد تعرفه های هر صندوق قابل تشخیص است. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اگر تعداد آرای شمارش شده بیشتر باشد، (مثلاً فردی برگ رأی خود را از صندوق دیگری به این صندوق انداخته باشد) مجریان در حضور ناظران، تعرفه های رأی را برعکس گذاشته و به صورت تصادفی به تعداد اضافه شده برگهای رأی را برداشته و از بین می برند. در صورتی که آرای شمارش شده کمتر باشد، در صورت جلسه ذکر خواهد شد.

۶- تعرفه های رأی، شماره سریال منحصر به فرد دارد که استان به استان متفاوت است. بنابراین امکان ارسال برگ تعرفه، از استانی به استان دیگر منتفی است.

۷- مجریان موظفند با شروع آخرین بسته ۱۰۰ تایی تعرفه، به فرمانداری مربوطه اطلاع دهند تا به تعداد مورد نیاز برایشان تعرفه ارسال شود. این تعرفه ها باید از تعرفه های مربوط به همان استان باشد. نکته دیگر اینکه با توجه به ثبت تعداد تعرفه های هر صندوق در فرم ۲۲ی مربوط به آن صندوق، اگر حوزه ای دچار کمبود تعرفه شود نمی توان از حوزه دیگر و نزدیک به آن امانت بگیرد، بلکه باید از مرکز مربوطه (بخشداری، فرمانداری یا استانداری) این کار (ارسال تعرفه اضافی) پیگیری شود.

۸- مدت زمان کلی رأی گیری در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری مانند دوره نهم آن، ۱۴ ساعت بود. با این تفاوت که در دوره نهم از ساعت ۹ صبح تا ۲۳ ادامه داشت و در این دوره از ساعت ۸ صبح تا ۲۲. لازم به ذکر است که با توجه به استقبال بی سابقه مردم در این دوره، برخی صندوق ها در شهرهای مختلف (از جمله در شهرهای استان تهران و گیلان) تا ساعت ۲ بامداد نیز مشغول اخذ رأی بوده اند.

۹- برای اولین بار در تاریخ انتخابات ایران آرای تفکیکی صندوقها انتشار یافت که نشان از صداقت برگزار کنندگان انتخابات دارد. همچنین برای اولین بار تنها پس از چند روز از انتخابات، نتایج آرای تفکیکی شهرها در اختیار عموم قرار گرفت. (در دوره های قبلی بعد از چند ماه، آن هم در اختیار مسئولین خاص قرار می گرفت).

۱۰- به چند صورت می توان از نتیجه شمارش آراء اطلاع پیدا کرد: الف- بر مبنای فرم ۲۸ که مربوط به رأی کلی هر شهرستان می باشد و منوط به شمارش آرای تمام صندوقهای آن شهرستان و بررسی دقیق و پر کردن فرمهای متعدد است. فرمهای مربوط به هر صندوق (از جمله فرم ۲۲) باید به محل فرمانداری منتقل شده و طی روند مشخص جمع بندی شوند و در فرم ۲۸ وارد شده و به امضای تعداد زیادی از مجریان و ناظران استانی برسند. بنابراین اعلام به این صورت زمان زیادی می طلبد و چون اعلام رسمی وزارت کشور در مرحله دوم (از ساعت ۹ صبح به بعد) به این شیوه بود، وقفه زیادی در اعلام پیش آمد. ب- نوع دیگر اطلاع از آراء بر مبنای فرم ۲۲ است که مربوط به هر صندوق می باشد و منوط به بررسی مجدد آراء و پر کردن این فرم و فرمهای دیگر و امضای آن می باشد. هر چند این فرآیند نیز طولانی است، ولی نسبت به اعلام بر اساس فرم ۲۸ سریعتر است. اعلام وزارت کشور در مرحله اول (تا ساعت ۹ صبح) بر این مبنا بود که سابقه ای پیش از این نداشته است. ج- سریعترین نوع اطلاع از نتایج آراء، تماس با مجریان، ناظران و یا نماینده های نامزدها در سر صندوقها است که بلافاصله پس از شمارش اولیه صندوق می توانند با تقریب بسیار مناسبی نتیجه آراء را اعلام نمایند. این نوع اعلام، غیر رسمی است و همیشه با درصدی خطا همراه است.

۱۱- مطابق قانون انتخابات، وظیفه اعلام نتایج شمارش آرا بر عهده وزارت کشور (ستاد انتخابات) و وظیفه نظارت و رسیدگی به تخلفات و شکایات نامزدها بر عهده شورای نگهبان می باشد.

بخش سوم: پرسش و پاسخ

۱- چرا در برخی حوزه های رای گیری، مشارکت بالای ۱۰۰ در صد بوده است؟

الف- در دوره های پیش نیز این اتفاقات مشاهده می شده است. مثلاً در انتخابات نهم ریاست جمهوری که مشارکت کل کشور ۶۲ درصد بود، درصد مشارکت در برخی حوزه ها به این صورت بوده است: شهر ری: ۲۱۶٪، شمیرانات: ۷۹۷،۲٪، رباط کریم: ۱۳۰٪، کوهنگ: ۱۱۰٪ و ... حال در این دوره که مشارکت به ۸۵ درصد رسیده است به طریق اولی این موارد مشاهده خواهند شد. به همین طریق در انتخابات مجلس هشتم (با ۵۵ درصد مشارکت) در ۴۹ حوزه، در انتخابات مجلس هفتم (با ۵۱ درصد مشارکت) در ۳۷ حوزه و ... این اتفاق رخ داده است که در مقایسه با تعداد ۵۰ حوزه در این دوره (آن هم با مشارکت ۸۵ درصدی) کاملاً طبیعی است.

ب- آماري که مبنای افراد واجد شرایط در هر شهر می باشند (و توسط سازمان ثبت احوال و مرکز آمار ارائه می شوند) همیشه قطعی نیستند. چه بسا افرادی که برای شغل یا تحصیل یا سربازی یا ... به شهر دیگر رفته باشند (مهاجرت دائمی یا موقت) و در آمار واجدین شرایط آن شهر لحاظ نشده باشند.

ج- برخی از مناطق نیز دانشجویی و یا کارگری هستند که دانشجویان و کارگران غیربومی زیادی در آن مناطق حضور دارند. با توجه به زمان رای گیری، از طرفی تعدادی دانشجویان در شهرهای خودشان نیستند و از طرف دیگر مسافرت ها نیز تا حدودی آغاز می شوند. به طور مثال در شهری مانند بیرجند: ۶ دانشگاه وجود دارد که دانشجویان غیر بومی آنها در ایام انتخابات در این شهر هستند، و جمعیت خود آن نیز کمتر از سیصد هزار نفر است، و با توجه به مذهبی بودن آن درصد مشارکت افراد بومی هم همیشه بسیار بالا است. حال اگر تعداد اندکی مسافر هم به این شهر آمده باشند، مسلماً مشارکت از ۱۰۰ درصد بیشتر خواهد شد. (کما اینکه این اتفاق در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری که مشارکت کلی ۶۲ درصد بود، رخ داد). حال این اتفاق برای شهرهایی که جمعیت بومی آن ها خیلی کمتر است، مسلماً بیشتر اتفاق می افتد.

د- باید دید آیا در تمام حوزه هایی که مشارکت بالای صد در صد است، نامزد خاصی اول است یا اینگونه نیست؟ مشاهده می شود در حوزه ای مانند شمیرانات (که مشارکت در این دوره حدود ۱۳۰۰ درصد بوده) آقای موسوی با ۲۰۰۹۳۱ رأی از آقای احمدی نژاد با ۱۰۲۴۳۳ رأی بالاتر است. (نسبت ۲ بر ۱)

ه- در انتخابات ریاست جمهوری منع قانونی ندارد که کسی از شهری به شهر دیگر یا استانی به استان دیگر برود و رای بدهد. برخلاف انتخابات مجلس شورای اسلامی که اگر کسی در مرحله اول در حوزه ای رای داد در مرحله دوم نمی تواند در حوزه دیگر رای بدهد.

و- ترکیب جمعیتی برخی از شهرها، به گونه ای می باشد که مهاجرپذیر هستند. به صورتی که در روز یک جمعیت و در شب یک جمعیت دیگری دارند. برخی مناطق نیز بیلاقی هستند؛ مانند طرقله، چناران و غیره، که در فصول مختلف آن، جمعیت تغییر می کند. برخی از مناطق نیز با وجود اینکه از نظر جغرافیایی تفکیک شده هستند ولی از نظر جمعیتی در هم تنیده هستند و تفکیک جمعیتی آنها از یکدیگر ممکن نیست مانند مناطق یک و سه تهران که کاملاً به شمیرانات چسبیده هستند و تفکیک آنها از نظر جمعیتی دشوار است.

۲- چرا صندوقها پلمپ شده به محل صندوق آمده اند؟ این کار نشان دهنده وجود تعرفه هایی است که از قبل در آن ریخته شده است.

الف- مطابق قانون پلمپ صندوق با حضور حدود ۱۴ نفر (که امضای آنها ثبت است)، در محل شعبه انجام می شود. ماده ۲۹ قانون انتخابات که می گوید: «قبل از شروع رأی گیری باید در حضور نماینده یا نمایندگان هیأت نظارت، صندوقهای خالی، بسته و مهور به مهر شعبه ثبت نام و اخذ رأی گردد.» در متن قانون هیچ سخنی از الزام حضور نمایندگان کاندیداها برای پلمپ صندوقها وجود ندارد. اما با این حال وزارت کشور از نمایندگان کاندیداها جهت نظارت دعوت کرده و اعلام کرده که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان آقای موسوی، هنگام پلمپ صندوق ها، در شعب اخذ رأی حضور داشتند.

ب- در عین حال، فرض می‌کنیم پلمپها از قبل وجود داشته‌اند؛ در این صورت ناظران با تعرفه‌های ساده‌ای می‌توانسته‌اند مچ متقلبان را بگیرند؛ ما در اینجا به دو ترفند اشاره می‌کنیم: ۱- میزان تعرفه‌هایی که به هر صندوق اختصاص دارد، مشخص است. تعداد تعرفه‌هایی که باقی مانده است هم معلوم می‌شود. تعداد کل آرای اخذ شده از صندوق نیز مشخص می‌شود. همه این‌ها در فرم ۲۲ وارد شده و توسط ناظران امضا می‌گردد. حال تشخیص اینکه تعداد قابل توجهی رأی (در کل حدود ۱۱ میلیون!) از قبل در صندوق بوده است، کار مشکلی نخواهد بود و با یک تفریق ساده تعداد افرادی که واقعاً رأی داده‌اند مشخص می‌شود و در نتیجه متقلبان زودتر از آنچه فکر کنند لو رفته‌اند! ۲- ناظران هر نامزد می‌توانستند (با توجه به مطرح بودن بحث تقلب از مدتها قبل) وقتی صندوقها را پلمپ شده دیدند، ضمن اطلاع به مافوق خود و ناظران شورای نگهبان، صندوقها را (که وزن چندانی هم ندارند) در میان دو دست گرفته و با تکان کوچکی، از وجود تعرفه‌های اضافی در آن مطلع شوند! و موارد را مستندسازی نمایند تا بعداً برای اثبات آن دچار مشکل نشوند. لازم به ذکر است حدود ۸۹ درصد از کل فرمهای ۲۲ (که خالی بودن صندوقها را نیز تأیید می‌کند) توسط نمایندگان آقای موسوی امضا شده‌اند و هیچ شکایتی هم مبنی بر خالی نبودن فلان صندوق، به دست ناظران شورای نگهبان نرسیده است.

۳- چرا در این دوره علی‌رغم این که مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال، جمعیت افراد واجد شرایط رأی دادن را حدود ۴۵/۲۰۰/۰۰۰ نفر اعلام کرده بودند، تعداد ۵۹/۶۰۰/۰۰۰ برگه تعرفه رأی با شماره سریال چاپ شد؟ (اعداد ارائه شده، ادعای آقای موسوی هستند که در نامه سرگشاده دوم به شورای نگهبان ذکر نموده‌اند.)

الف- در تمام دوره‌های انتخابات، تعرفه‌ها با درصد مشخصی بیشتر از واجدین شرایط آماده می‌شده‌اند. (این کار دلایل مختلفی دارد از جمله اینکه: تعداد مراجعه کنندگان به صندوقها از قبل مشخص نیست، و بنابراین مسئولین اجرایی، باید برای هر صندوق با ضریب اطمینان مناسب، تعرفه اضافه در نظر بگیرند. بنابراین در برخی حوزه‌ها، تعرفه‌های موجود کفاف مراجعه کنندگان را نمی‌کند و در برخی حوزه‌ها اضافه می‌آید. آنچه واضح بوده و همه ناظران تأیید می‌کنند، این است که تعداد شعبی که تعرفه در آنها اضافه می‌آید و در فرم ۲۲ ثبت می‌شود، بسیار بیشتر از تعداد شعبی است که تعرفه در آنها کم می‌آید. (در نظر داشته باشید که مجریان موظفند با شروع آخرین قبض ۱۰۰ تایی تعرفه، به فرمانداری گزارش دهند که تعرفه‌های جدید برای آنها ارسال شود، و بنابراین خیلی از صندوقهایی که در ابتدا به ظاهر تعرفه کم آورده‌اند، در انتها تعرفه زیاد می‌آورند.) با توجه به اینکه حدود ۴۶ هزار صندوق در سراسر کشور وجود دارد، اگر به طو متوسط در هر صندوق فقط ۲۰۰ تعرفه اضافه آمده باشد، در کل حدود ۱۰ میلیون تعرفه باید اضافه آماده شده باشد.) در این دوره، با توجه به پیش بینی مشارکت گسترده، مسئولین تعداد مناسبی تعرفه اضافی آماده کرده‌اند، که آمار درست به این صورت است: واجدین شرایط رأی دادن: ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر. تعداد تعرفه‌های چاپ شده جهت انتخابات در مرحله اول ۵۷/۰۰۰/۰۰۰ تعرفه با شماره سریال بوده و در مرحله دوم به ۵۸/۸۷۵/۰۰۰ تعرفه سریال دار افزایش یافت و در روز ۲۲ خرداد با توجه به حضور بی سابقه مردم در شعب اخذ رأی جهت وجود تعرفه کافی در همه شعب اخذ رأی، اقدام به چاپ ۲/۰۰۰/۰۰۰ تعرفه دارای شماره سریال نمود، که به درخواست نمایندگان آقای موسوی در ستاد انتخابات کشور و همچنین استانداران به استانهای آذربایجان شرقی (۲۰۰,۰۰۰)، اصفهان (۱۰۰,۰۰۰)، قم (۵۰,۰۰۰) و تهران (۱,۱۰۰,۰۰۰) ارسال شد. از تعرفه‌های مذکور: حدود ۴۰ میلیون تعرفه رأی شمرده شده است، تعداد ۵۵۰/۰۰۰ عدد توزیع نشده و در مخزن چاپخانه بانک ملی هم اکنون موجود و قابل ملاحظه می‌باشد که همگی دارای شماره سریال می‌باشند، تعداد معینی تعرفه استفاده نشده در انبار وزارت کشور و انبار استانداری‌ها موجود و در دسترس است و بقیه نیز در صندوقهای پلمپ شده، موجود می‌باشند. تمام موارد فوق به علاوه کلیه قراردادهای چاپ تعرفه، توسط هیئت سه نفره‌ای از جانب شورای نگهبان طی مدت دو روز بررسی شده است و تطابق آنها ثابت شده است.) لازم به ذکر است که در انتخابات نهم ریاست جمهوری نیز ۱۲ میلیون برگ رأی، بیشتر از میزان واجدین شرایط، چاپ شده بود که با توجه به درصد مشارکت پایین در آن زمان (۲۷ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر) رقم بالایی به حساب می‌آید.

ب- مطابق آنچه در پاسخ به شبهه دوم ذکر شده است، تعداد تعرفه‌های مصرفی و اضافی، برای تمامی صندوقها مشخص بوده و در فرم ۲۲ (که همه ناظران امضا می‌کنند، و شماره ناظرانی که از طرف آقای موسوی این فرمها را در صندوقهای مختلف امضا نموده‌اند بیش از ۴۰ هزار نفر است) آمده است. بنابراین خیلی راحت می‌توان کشف کرد که آیا از تعرفه‌های اضافی، استفاده سوء شده است یا نه.

ج- تمام تعرفه‌ها دارای شماره سریال هستند که این شماره‌ها، استان به استان متفاوتند. با توجه به تفاوت استان به استان سریال تعرفه‌ها، لزوم چاپ تعداد بیشتر تعرفه مشخص می‌شود، زیرا اگر در یک استان مشارکت افزایش زیادی داشته باشد، نمی‌توان از استان دیگر به آن استان، تعرفه فرستاد. و از طرف دیگر با توجه به ثبت تعداد تعرفه‌ها در فرم ۲۲ مربوط به هر صندوق، حتی ارسال تعرفه اضافی از یک صندوق به صندوق مجاور نیز، غیرممکن است.

۴- چرا تعداد صندوقهای سیار افزایش داشته است؟ و چرا به جای مناطق صعب العبور و کوهستانی به مراکز شهری انتقال داده شده اند؟

الف- باید توجه داشت که در هر انتخاباتی، با توجه به افزایش تعداد واجدین شرایط، تعداد صندوقها (ثابت و سیار) نسبت به دوره قبل افزایش می یابد. بر عکس ادعای سؤال، در این دوره نسبت صندوقهای سیار به صندوقهای ثابت ۳ درصد کاهش داشته است و در کل تنها ۱۸۶ صندوق سیار اضافه شده است. (در انتخابات ریاست جمهوری نهم در دولت اصلاحات، از مجموع ۴۱۰۷۱ صندوق اخذ رأی، تعداد ۱۴۱۰۲ صندوق آن سیار بوده است یعنی ۳۳ درصد کل صندوقها، در حالی که در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری از مجموع ۴۵۷۱۳ صندوق تعداد ۱۴۲۹۴ سیار بوده است، یعنی ۳۰ درصد کل صندوقها. لازم است اشاره شود که برای تعداد ۲۷ میلیون و ۹۵۸ هزار و ۹۳۱ رأی (کل آراء ماخوذه در دومین مرحله نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری) ۱۴۱۰۲ صندوق سیار در دولت اصلاحات پیش بینی شده و این در حالی است که برای کل آراء ماخوذه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری یعنی ۳۹ میلیون و ۳۷۱ هزار و ۲۱۴ رأی، ۱۴۲۹۴ صندوق سیار پیش بینی شد و این نشانگر عدم صحت مطالب مطرح شده در این خصوص از سوی مدعیان است. اگر فقط افزایش مشارکت انتخابات ریاست جمهوری دهم را نسبت به مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری نهم یعنی افزایش از حدود ۶۲ درصدی به حدود ۸۵ درصد در انتخابات دهم را در نظر می گرفتیم، باید تعداد کل صندوق ها معادل ۴۱۰۷۱ ضربدر ۸۵ درصد، تقسیم بر ۶۲ درصد یعنی برابر ۵۶۳۰۷ صندوق و تعداد صندوق های سیار را معادل ۱۴۱۰۲ ضربدر ۸۵ درصد تقسیم بر ۶۲ درصد یعنی برابر ۱۹۳۳۳ صندوق در نظر گرفته می شد، کاملاً مشهود است که به نسبت و با توجه به مشارکت ۸۵ درصدی، به مراتب کمتر از دوره نهم در نظر گرفته شده است. مضافاً اینکه فضای جدی و رقابتی و شور و شوق و نشاط انتخاباتی و تبلیغاتی قبل از انتخابات و نتایج اکثر نظرسنجی ها هم نشان از میزان مشارکت بالاتری در دور دهم نسبت به دور نهم را نشان می داد. بنابراین مدعیان تقلب با یک مغلطه، بدون اشاره به افزایش تعداد کل صندوقها، فقط به اضافه شدن صندوقهای سیار اشاره کرده و مدعای خود را (تقلب گسترده ۱۱ میلیونی!) پس از آن مطرح میکنند.

ب- نکته قابل ذکر دیگر این است که اکثر صندوقهای سیار (مطابق روال دوره های گذشته) برای کمک به صندوقهای ثابتی است که با افزایش انبوه مراجعه کنندگان مواجه شده اند، بنابراین تقریباً در حکم صندوق ثابت به حساب می آیند. ضمن این که صندوقهای سیار دیگر نیز داری ناظر و نماینده نامزد هستند و برای آنها نیز فرم ۲۲ امضا می شود و بنابراین فرق قابل توجهی با دیگر صندوقها ندارند که افزایش تعداد آنها، شبهه های ایجاد نماید.

ج- طبق ماده ۵۰ قانون انتخابات (که در زیر آمده) و سیره مستمره در انتخابات گذشته، شعب سیار، نه تنها برای مناطق صعب العبور که همواره برای مناطق شهری، بیمارستانها، پادگانها، مناطق کم جمعیت و موارد دیگر تشکیل می شده است در دوره اصلاحات و دیگر دوره های ریاست جمهوری نیز همینگونه عمل شده است. «ماده ۵۰ - هیأت اجرایی بخش، با تصویب هیأت اجرایی شهرستان، می تواند برای مناطق صعب العبور و کوهستانی و مسافتهای دور و نقاطی که تشکیل شعب ثابت ثبت نام و اخذ رأی مقذور نیست شعب اخذ رأی سیار تشکیل دهد. هیأت اجرایی شهرستان نیز می تواند در صورتی که لازم بداند نسبت به تشکیل شعب اخذ رأی سیار در مرکز شهرستان و بخش مرکزی اقدام نماید ...»

۵- چرا برای تعداد زیادی از ناظران کاندیداها، کارت صادر نشده است و در مورد آنها هم که صادر شده، اشتباهاتی وجود داشته است؟

الف- رئیس ستاد انتخابات کشور، جناب آقای دانشجو، در این باره می گوید: «در تاریخ دوم خردادماه به فاصله ۲۰ روز تا برگزاری انتخابات، در قالب جلسه ای با نمایندگان ستادها مقرر شد تا هر یک از ستادها از طریق سایت ویژه ای که از سوی وزارت کشور در قالب نرم افزار صدور کارت طراحی شده، اسامی نمایندگان خود در شعب اخذ رأی را وارد کنند. اما شاهد آن بودیم که در ۱۵ خرداد ماه به فاصله تنها ۶ روز تا برگزاری انتخابات ستادها به ما اطلاع دادند که این امکان برای آنها وجود ندارد. علی رغم تمامی مشکلاتی که به واسطه زمانی کوتاه برای ساختار فرمانداری ها بوجود آمد بیش از ۹۲ هزار و ۲۰۰ کارت در سراسر کشور برای نمایندگان کاندیداها در شعب اخذ رأی صادر شد که از این میان بیش از ۴۰ هزار کارت متعلق به ستاد آقای موسوی و بیش از ۱۳ هزار کارت برای ستاد آقای کروی و بیش از ۶ هزار کارت برای ستاد آقای رضایی صادر شد و اینکه برخی بیان می کنند برای شعبه ای خاص کارت صادر نشده و یا کارت ها دارای مشکلاتی است، این موضوع بواسطه نقص در مدارک ارائه شده به فرمانداری ها است به طوری که برخی مدارک ارسالی از سوی برخی ستادهای انتخاباتی در داخل گونی تحویل فرمانداری ها شده بود و از سوی دیگر در برخی شعب، نماینده کاندیداها به امور اجرایی ورود پیدا می کردند که ما براساس تأکید گذشته و بر مبنای مشی قانون در این خصوص اقدام کردیم.»

ب- نکته قابل توجه دیگر این است که بر اساس آمار تعداد کارت های صادر شده، آقای میرحسین موسوی در ۴۰۶۷۶ صندوق از مجموع ۴۵۷۱۳ شعبه، نماینده داشت که حدود ۹۰ درصد از صندوقها را شامل می گردد (اسامی و مشخصات آنها موجود است). این درحالی است که احمدی نژاد در ۷۲ درصد، کروبی ۲۹/۵ درصد و رضایی ۱۲ درصد صندوق ها نماینده داشته اند. در کل بیش از ۹۲ هزار و ۲۰۰ کارت در سراسر کشور برای نمایندگان کاندیداها در شعب اخذ رأی صادر شد. انتظار می رفت که آقایان اگر شکایتی داشتند دقیقاً بیان می کردند، برای چند صندوق درخواست نماینده داشته اند؟ و برای چند صندوق آن برای نمایندگان کارت صادر شده است؟ و در چند صندوق، نمایندگان حضور پیدا کرده اند؟ و در چند صندوق نمایندگانشان اخراج شده اند؟ و درصد هر کدام از این اعداد نسبت به کل صندوقها چقدر است؟

ج- قابل قبول است که آقای موسوی در مورد صندوق هایی که ناظر نداشته اند دارای شک و شبهه باشد. این شک معقول و منطقی است، اما راه حل برطرف شدن آن این است که ایشان خواستار بازشماری تعدادی از این صندوق ها بصورت تصادفی شوند و نتایج آنها را با صندوق هایی در همان منطقه و شهر مقایسه کنند که در آنجا ناظر داشته اند و ببینند که آیا چنان تفاوت فاحشی وجود دارد یا خیر. قطعاً ایشان می دانند که برای آنکه ۱۱ میلیون رأی جابجا شود بطور متوسط ۱۱ هزار صندوق می بایست کاملاً دارای آرای واژگون شده باشند.

۶- چرا در این دوره بر خلاف دوره های پیشین، زمان رأی گیری فقط تا ساعت ۲۲ تمدید شد؟

الف- ابتدا برای اینکه دامنه بحث را مشخص کنیم، فرض کنیم تمام آن ۱۵ درصدی که به هر دلیلی (کمبود تعرفه، بسته شدن دربها، کپولت سن، بیمار بودن، نداشتن شناسنامه، و ...) نتوانسته اند رأی بدهند، پای صندوق می آمدند و همه آنها هم به آقای موسوی رأی می دادند، رأی ایشان حدود ۱۹ میلیون می شد که باز آقای احمدی نژاد با کسب اکثریت مطلق (بیشتر از نیمی از آرا) رئیس جمهور منتخب محسوب می شد.

ب- زمان اخذ رأی، در دوره های پیش از ساعت ۹ تا ۲۳ بوده است، که در این دوره این زمان از ساعت ۸ آغاز و با چهار بار تمدید، در ساعت ۲۲ پایان یافته است. ضمن اینکه مطابق ابلاغیه وزارت کشور، از افراد حاضر در پای صندوق تا آخرین نفر رأی گیری شده است و به اقرار ناظران موجود، در برخی حوزه ها، کار اخذ رأی تا ساعت ۲ بامداد روز ۲۳ خرداد ادامه داشته است!

ج- میزان مشارکت بالای مردم (۸۵٪) خود نشانگر این است که زمان در نظر گرفته شده برای اخذ رأی تقریباً مناسب بوده است.

۷- چرا رهبری، قبل از اعلام نظر شورای نگهبان رأی آقای احمدی نژاد را تأیید کرد؟

الف- مقام معظم رهبری در تمامی انتخابات ریاست جمهوری، با اعلام نتایج از سوی وزارت کشور (یعنی فردای انتخابات) پیامی صادر می نمایند و ضمن تشکر از حضور ملت، با عنوان کردن نام رئیس جمهور منتخب، توصیه هایی به ایشان می نمایند. بنابراین این عمل کاملاً طبیعی و مطابق روال گذشته بوده است. در اینجا به سه مورد اشاره می کنیم: در پیام ۳ خرداد ۷۶ ایشان آمده است: «به رئیس جمهور منتخب مردم، جناب حجة الاسلام آقای حاج سید محمد خاتمی، توفیق خدمتگزاری ملت عظیم الشان ایران و تحمل این امانت بزرگ را صمیمانه تبریک می گویم و ایشان را به وظیفه شکر و اهتمام و آمادگی متذکر می گردم.» در پیام ۱۹ خرداد سال ۸۰ ایشان آمده: «به رئیس جمهور محترم، توفیق دوباره خدمتگزاری به مردم و کشور عزیز را تبریک می گویم و ایشان را به وظیفه شکر الهی و قدردانی از ملت و اهتمام به وظایفی که قانون اساسی بر عهده ایشان نهاده است و تلاش بی وقفه در راه رفع مشکلات کشور متذکر می گردم.» و همچنین در پیام ایشان در ۴ تیر ۸۴ می خوانیم: «اینک با تبریک این مسئولیت خطیر به رئیس جمهور منتخب جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد، نکاتی را به ایشان و همه ی آحاد ملت عرض میکنم.»

ب- مطابق ماده ۱۸ قانون انتخابات، مصوب ۵ تیر ۱۳۶۴، وظیفه اطلاع رسانی نتیجه کلی انتخابات بر عهده وزارت کشور است. بر مبنای این قانون، شورای نگهبان وظیفه نظارتی و رسیدگی به شکایات را بر عهده دارد. بنابراین مطابق قانون آنچه وزارت کشور اعلام می کند، نتیجه انتخابات محسوب می شود، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. بر طبق یک روال قانونی و پذیرفته شده، پس از اعلام نتیجه توسط وزارت کشور، شاهد پیامهای تبریک افراد مختلف از قبیل رؤسای قوای کشور، رؤسای جمهور و یا نخست وزیران کشورهای مختلف، مجامع حقوقی و بین المللی و ... هستیم. بنابراین تبریک مقام معظم رهبری نیز کاملاً طبیعی و قانونی بوده است.

ج- در عین حال مقام معظم رهبری پس از انتخابات راه قانونی شکایت را باز دانسته و به شورای نگهبان دستور دادند تا تمامی موارد را به دقت بررسی نمایند. به حضور خواستن نمایندگان نامزدها و شنیدن سخنان آنان و موافقت با تمدید زمان رسیدگی به شکایات نیز مؤید این ادعا است که ایشان امکان تخلف را منتفی ندانسته اند.

۸- چرا سایتهای نزدیک به دولت مانند الف، فارس نیوز، رجا و ... در ساعت‌های اولیه شب از پیروزی آقای احمدی نژاد خبر

می دادند؟

الف- به چند صورت می توان از نتیجه شمارش آرا اطلاع پیدا کرد: الف-۱: بر مبنای فرم ۲۸ که مربوط به رأی کلی هر شهرستان می باشد و منوط به شمارش آرای تمام صندوقهای آن شهرستان و بررسی دقیق و پر کردن فرمهای متعدد است. فرمهای مربوط به هر صندوق (از جمله فرم ۲۲) باید به محل فرمانداری منتقل شده و طی روند مشخص جمع بندی شوند و در فرم ۲۸ وارد شده و به امضای تعداد زیادی از مجریان و ناظران استانی برسند. بنابراین اعلام به این صورت زمان زیادی می طلبد و چون اعلام رسمی وزارت کشور در مرحله دوم (از ظهر به بعد) به این شیوه بود، وقفه زیادی در اعلام پیش آمد. الف-۲: نوع دیگر اطلاع از آرا بر مبنای فرم ۲۲ است که مربوط به هر صندوق می باشد و منوط به بررسی مجدد آرا و پر کردن این فرم و فرمهای دیگر و امضای آن می باشد. هر چند این فرآیند نیز طولانی است، ولی نسبت به اعلام بر اساس فرم ۲۸ سریعتر است. اعلام وزارت کشور در مرحله اول (تا ساعت ۹ صبح) بر این مبنا بود که سابقه ای پیش از این نداشته است. الف-۳: سریعترین نوع اطلاع از نتایج آرا، تماس با مجریان، ناظران و یا نماینده های نامزدها در سر صندوقها است که بلافاصله پس از شمارش اولیه صندوق می توانند با تقریب بسیار مناسبی نتیجه آرا را اعلام نمایند. این نوع اعلام، غیر رسمی است و همیشه با درصدی خطا همراه است.

ب- براساس آمار رسمی ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر واجد شرایط رأی بوده اند که از این تعداد: - رأی دهندگان در جامعه روستایی ۱۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر، معادل ۳۳ درصد. - شهرهای کوچک ۱۹ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر، معادل ۴۳ درصد. - شهرهای بزرگ ۱۱ میلیون و ۲۶۰ هزار نفر، معادل ۲۴ درصد که از این رقم آخر حدود ۵ میلیون شهر تهران است. لذا بیشتر آرا در صندوقهای کوچک ریخته شده اند. از طرف دیگر ساعت رأی گیری تا ساعت ۹ شب بوده است و در صورتی که در حوزه ای صف وجود داشته، قابل تمدید تا ساعت ۱۰ بوده و در اکثر این صندوقهای کوچک چنین اتفاقی رخ نمی دهد. لذا آنها می توانند ساعت ۹ درب حوزه را بسته و شروع به شمارش آرا کنند. برای همین است که آمار غیر رسمی (حدود ۷۶ درصد آرا) در عرض حدود یک ساعت الی یک و نیم ساعت قابل دسترسی تلفنی است. در این مدت بعضی حوزه های بزرگ و پرجمعیت ممکن است حتی شروع به کار شمارش آرا نکرده باشند. متأسفانه بعضی رسانه ها هم با وجود اعلام غیرقانونی بودن این کار (اعلام آمار غیر رسمی)، برای خودشیرینی این خبرهای غیررسمی را اعلام می کنند که با اخطار مراجع رسمی مجبور می شوند این اخبار را بردارند.

ج- همانطور که بیان شد، اینگونه اطلاع از میزان آرا همیشه با درصدی خطا همراه است. در اعلام سایتهای فوق هم دیدیم که از مشارکت ۳۶ میلیونی و رأی ۲۱ میلیونی برای آقای احمدی نژاد سخن به میان آمده بود که با میزان صحیح آن انطباق کامل نداشت. د- اعلام نتایج و پیش بینی آرا توسط سایتهای منتسب به دیگر نامزدها هم انجام می شد. مثلاً سایت قلم (ارگان رسمی آقای موسوی) در ساعات اولیه شب ۲۲ خرداد (ساعات ۲۰:۳۰ و ۲۳) با استناد به گزارش ۵۰ هزار نماینده خود در حوزه های انتخاباتی (!) از رأی ۳۰ میلیونی آقای موسوی و ۶۰ درصد آرا به نفع ایشان خبر می داد و آقای موسوی نیز کنفرانس خبری داخلی و خارجی برگزار می کند و خبر از پیروزی خود می دهد.

۹- شاهد منحنی ثابت و روند یکسان نتایج انتخابات در شهرهای کوچک و بزرگ و عدم تغییر آن در مناطقی که

گرایشات شدید قومی در آنها وجود دارد، بودیم. چطور این امر ممکن است؟

الف- این ادعا صحیح نیست. رأی آقای احمدی نژاد در حوزه های مختلفی نظیر تهران، زاهدان، تبریز و ... از آقای موسوی کمتر است و در بسیاری از حوزه ها نیز، با اختلاف اندکی از ایشان بالاتر است. مراجعه به آمار تفکیکی استانها و شهرها و رسم نمودار نسبت آرا، کذب بودن این ادعا را ثابت می کند.

ب- صرف این حالت نمی تواند دلیل بر تقلب باشد، زیرا در انتخابات اخیر آمریکا نیز نسبت آرای اوباما به مک کین به همین صورت بود و کسی ادعای تقلب نکرد!

۱۰- چرا آرای آقای کروبی نسبت به دوره نهم این قدر کاهش پیدا کرده است؟ اگر فقط اعضای ستاد و حزب اعتماد ملی به

ایشان رأی می دادند، تعداد آرا از این رقم بالاتر بود.

الف- اقبال مردم به افراد و شعارهای آنها، در گذر زمان تغییر می کند. همچنانیکه آقای هاشمی رفسنجانی دو دوره رئیس جمهور می شود، اما دو سال بعد در انتخابات مجلس ششم، و ۸ سال بعد در انتخابات نهم ریاست جمهوری رأی نمی آورد. از این موارد بسیار زیاد وجود دارد.

ب- شواهد مختلف از کاهش اقبال عمومی به آقای کروبی خبر می داد و ایشان مدتی پس از انتخابات نیز به این امر اذعان نمود؛ شواهدی از قبیل: کاهش جذابیتِ مهمترین شعار آقای کروبی (دادن پول نقد) به سبب بحث پرداخت یارانه ها در دولت نهم، استفاده از چهره هایی که در سابقه و افکار خود انحرافات و یا مشکلاتی دارند در تبلیغات (افرادی نظیر کرباسچی، سروش، مهاجرانی و ...)، ساخت مستندات ضعیف و بی محتوا، حضور ضعیف در مناظره های تلویزیونی، حمایت از زندانیان و فرقه های ضاله و ...

ج- واقعیت این است که رأی آقای کروبی از بین اصلاح طلبان می باشد. در این دوره، تمام توان اصلاح طلبان برای به دست گرفتن قدرت بود و بنابراین طبیعی به نظر می رسید که هر کسی که کوچکترین غلظه ای به جریان اصلاح طلبی دارد به هر نحو ممکن به پیروزی آن کمک کند. با توجه به اینکه در تمام نظرسنجی ها و حتی نظرسازی ها (!) آقای کروبی پایین ترین رأی را داشت، طبیعی به نظر می رسید که اصلاح طلبان، هر چند طرفدار آقای کروبی باشند، به آقای موسوی رأی بدهند که احتمال پیروزی آنها افزایش یابد. کما اینکه شنیده ها حاکی از آن است که آقای کرباسچی نیز با همین دلیل رأی خود را در جلوی دیده ها به نفع آقای موسوی به صندوق انداخته است. بنابراین هیچ دلیلی وجود ندارد که تمام اعضای ستاد آقای کروبی به ایشان رأی داده باشند.

د- با توجه به اینکه فرهنگ حزب و تحزب در کشور ما جا نیفتاده است، نمی توان گفت که هر کسی که در فلان حزب عضو شده است پس در تمام انتخابات به کاندیدای آن حزب رأی خواهد داد. چه بسا افراد زیادی فقط برای گرفتن کارت عضویت در حزبی ثبت نام نمایند. واقعاً چند درصد از مردم ما عضو رسمی احزاب قانونی هستند؟ چه میزان از آنها با اطلاع از اساسنامه حزب، عضو آن شده اند؟ چقدر از آنها حق عضویت خود را می پردازند و در برنامه های حزب شرکت می کنند؟ و ...

۱۱- چرا آقای احمدی نژاد پیشاپیش خود را پیروز انتخابات می دانست و مانور قدرت برگزار می کرد؟

الف- این که نامزدهای ریاست جمهوری هر یک خود را پیروز انتخابات بنامند، چیز جدیدی نیست و منحصر در آقای احمدی نژاد نمی باشد. در تمام دوره ها و توسط تمامی نامزدها این ادعا مطرح می شده است و اصولاً افرادی که احساس می کرده اند رأی نمی آورند، اغلب خود را از صحنه کنار می کشیده اند و یا از اول وارد نمی شده اند.

ب- در این دوره آقای موسوی نیز کسی بود که از مدتها قبل خود را پیروز قطعی انتخابات می دانست. شواهد زیر حاکی از این مطلب است: ستاد ایشان از حدود دو هفته قبل از برگزاری انتخابات، درخواست برگزاری جشن پیروزی از وزارت کشور برای تاریخ ۲۳ خرداد را داده بود. برای روز بعد از انتخابات هماهنگی برگزاری کنفرانس خبری داخلی و خارجی کرده بودند. ایشان در ساعات اولیه شمارش آرا با انتشار بیانیه ای از مردم برای انتخاب خود قدردانی نمودند و آقای خاتمی نیز بلافاصله برایشان پیام تبریک فرستاد. ایشان قبل از آغاز شمارش آرا اقدام به برگزاری کنفرانس خبری داخلی و خارجی نموده و خود را پیروز انتخابات معرفی نمود. سایت قلم خبر از ۳۰ میلیون رأی به نفع ایشان داد.

ج- تمام نظر سنجی های معتبر داخلی و خارجی قبل از انتخابات حکایت از پیروزی قطعی آقای احمدی نژاد داشت. نظرسنجی های داخلی مانند صدا و سیما، سپاه، وزارت اطلاعات، مؤسسه تبیان و نظرسنجی های خارجی مانند نظرسنجی نیویورک تایمز، موسسه غیر دولتی *The new American Foundation*، موسسه *Terror Free Tomorrow*، و ... توضیح این نکته بد نیست که نظرسنجی هایی مانند نظرسنجی تبیان واقعاً علمی و قابل استناد است زیرا اولاً هر فرد برای شرکت در آن باید ضمن وارد کردن تمام اطلاعات خود و گرفتن کلمه عبور و نام کاربری، از طریق تلفن همراه نیز نظر خود را ثبت نماید. ثانیاً در تمام نظرسنجی های گذشته این مؤسسه، با تقریب بسیار مناسبی، نتیجه انتخابات با پیش بینی آن انطباق داشته است.

۱۲- چرا آمارهای وزارت کشور متناقض بود؟ به طور مثال ۹۸ هزار رأی نامشخص بود (نه صحیح بود و نه باطل). و چرا وزارت کشور این آمار را از روی سایت خود حذف کرد؟

الف- ادعای اختلاف ۹۸ هزار رأی بر اساس بی دقتی بینندگان نتایج آرا مطرح شده است، زیرا وزارت کشور در فایل اکسلی که نتایج را اعلام نمود، دو صفحه قرار داده که اولی مربوط به نتایج داخل کشور و دیگری مربوط به نتایج خارج کشور بود. ۹۸۷۸۴ رأی مربوط به تعداد آرای خارج از کشور بوده است که برخی خوانندگان متوجه آن نبوده اند.

ب- با فرض وجود این مقدار اشتباه در نتایج آمارهای ارائه شده نیز ذکر چند نکته خالی از لطف نیست: همانطور که قبلاً هم توضیح داده شد، نتایج رای گیری در هر صندوق در فرمهای متعددی ثبت می شود. این فرمها به بخشداریهها و فرمانداریها منتقل شده و در آنجا بعد از جمعیت با دیگر فرمهای دریافتی، فرمهای مخصوص دیگری پر می شوند. فرمهای جدید به استانداریهها ارسال و در آنجا ضمن جمعیت در فرمهای مخصوص دیگری ثبت می شوند. نتایج حاصل به صورت فرمهای متعدد به وزارت کشور ارسال می شود و در آنجا ثبت شده و اطلاع رسانی می شود. (در نظر داشته باشید که برای بیش از ۴۶ هزار صندوق باید اطلاعات مختلف ثبت و منتقل می شد).

ج- برای اولین بار در تاریخ انتخابات ایران، وزارت کشور تنها چند روز پس از برگزاری انتخابات، نتایج تفکیکی شهرها را در اختیار عموم قرار داد. (در دوره های قبل این اطلاعات پس از چند ماه، آن هم فقط در اختیار افراد خاص قرار می گرفت).

د- با در نظر گرفتن دو نکته فوق (ثبت اطلاعات به صورت متعدد توسط افراد مختلف که ممکن الخطا هستند و همچنین سرعت در انجام این کار) آیا وجود اختلاف گفته شده (که تأثیر چندانی در نتیجه انتخابات ندارد) طبیعی به نظر نمی رسد؟ آیا اگر مجریان قصد تقلب داشتند نمی توانستند آمار را طوری تطبیق دهند که کوچکترین اختلافی در آنها دیده نشود؟ به نظر می رسد وجود مقداری خطا امری است طبیعی و اتفاقاً بیانگر صداقت مجریان است.

۱۳- چرا رأی آقای احمدی نژاد حتی در زادگاه کاندیدها بیشتر از آنها است؟

الف- بر طبق نتایج انتخابات (آمار) که در سایت پرتال وزارت کشور وجود دارد و در صدا و سیما نیز اعلام شده و بر خلاف ادعای مطرح شده، آقای موسوی در زادگاه خود یعنی در شهرستان شبستر و آقای رضایی در شهرستان لالی حائز اکثریت آراء شده و آقای آقای کروی در شهرستان الیگودرز حائز بهترین نتیجه خود در کل کشور یعنی در رتبه دوم قرار دارد.

ب- هیچ دلیل عقلی و منطقی وجود ندارد که بتوان از آن نتیجه گرفت، مردم هر منطقه به نامزدی رأی می دهند که در آن منطقه به دنیا آمده باشد. در عصر ارتباطات که از جهان تعبیر به دهکده می شود، برای آشنایی با افراد، نیاز به همشهری بودن نیست. در واقع این اظهار نظرها نوعی توهین به شعور سیاسی مردم محسوب می شود که مطرح کنندگان آن، باید از مردم عذرخواهی نمایند.

ج- در تبلیغات انتخاباتی نامزدها نیز شاهد تأکید بر زادگاهشان نبودیم. در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری یکی از کاندیدها بر روی زادگاهش تبلیغات زیادی کرد و به تعبیری، تبلیغات منطقه ای زیادی داشت و از این کار نتیجه هم گرفت. اما در این دوره شاهد تبلیغات کشوری نامزدها بودیم و بنابراین انتظار نمی رفت که مردم هم به صورت منطقه ای رأی بدهند.

۱۴- چرا از ساعت ۱۰ صبح روز شنبه انتشار آمار برای چند ساعت متوقف شد؟ چرا تعداد رای دهندگان آقای رضایی در

اعلام مربوط به حدود ساعت ۱۴ کمتر از تعداد مربوط به حدود ساعت ۱۰ بود؟

الف- همانطور که قبلاً گفته شد اعلام آرا به چند طریق انجام می گیرد. در حالت اول پس از شمارش آرای هر صندوق و تکمیل فرم ۲۲، نتیجه به وزارت کشور اطلاع داده می شود و این وزارت خانه با جمعیت آرای صندوقهای شمرده شده، نتیجه را اعلام می نماید. در حالت دوم نتایج هر شهرستان بر اساس فرم ۲۸ (که از جمعیت فرمهای ۲۲ سراسر آن شهرستان تکمیل می شود) به اطلاع وزارت کشور می رسد و وزارت با جمعیت این آمار، نتیجه اعلام می گردد. وزارت کشور تا ساعت ۱۰ صبح برای سرعت بخشیدن در امر اطلاع رسانی، به طریق اول (بر اساس فرم ۲۲) نتایج را اعلام می کرد، اما از آن ساعت به بعد شیوه خود را عوض نموده و مطابق روند سالهای گذشته، اطلاع رسانی را بر اساس فرم ۲۸ آغاز نمود. این تغییر روش، مستلزم صرف وقت برای جمعیت فرمها در فرمانداریهای شهرستانها بود که باعث توقف چند ساعته اعلام نتایج شد.

ب- به همین دلیل ممکن بود آرای یک کاندیدا تغییر نماید. (کما اینکه برای آقای رضایی این حالت پیش آمد). زیرا در اعلام اولیه، صندوقهایی در آمار مد نظر قرار گرفته اند که در اعلام ثانویه به دلیل آماده نبودن دیگر فرمهای شهرستان مربوط به آن صندوق، به آمار اضافه نشده اند. توجه به این نکته که در اعلام نهایی آرا، میزان رأی آقای رضایی بیشتر از مقدار ساعت ۱۰ بود، نشانه ای است بر صحت این مدعا.

۱۵- چرا شبکه پیامک قطع شده است؟

الف- با توجه به افزایش فوق العاده شایعاتی که قبل از انتخابات، از طریق پیامک به سرعت در بین افراد پخش می شد، (شایعاتی که دفتر مقام معظم رهبری را مجبور به دادن پیام و تکذیب برخی از آنها نمود و آقای کروی را وادار به اعتراض به اطرافیان آقای موسوی

نسبت به شایعه انصراف ایشان کرد) بیم آن وجود داشت که این اتفاق بر روی نتیجه انتخابات تأثیر داشته باشد؛ بنابراین از حدود ۱۰ ساعت مانده به آغاز رأی گیری، سیستم پیامک قطع شد.

ب- همچنین علت دیگر قطعی شبکه پیامک ظاهراً بابت جلوگیری از تبلیغات غیرقانونی در روز انتخابات و مهلت یک روزه قبل از آن بوده است. می دانیم که تبلیغ انتخاباتی در روز قبل از انتخابات و همچنین روز انتخابات ممنوع است. با توجه به اینکه در این دوره تبلیغ های گسترده از طریق پیامک انجام می گرفت و امکان توقف آن از طریق دیگر نیز وجود ندارد، شبکه پیامک قطع شد تا مانع از این تخلف شود؛ این امر البته مانع برقراری ارتباط کاندیداها و نمایندگانشان نبوده، چرا که می توانستند با تلفن همراه، به جای پیامک، زنگ زده و صحبت کنند. به هر صورت اگر نمایندگان تخلفی را می دیدند می توانستند به صورت مکتوب در همان حوزه به ناظر شورای نگهبان نوشته و تحویل دهند. همچنین بعد از انتخابات نیز با تحویل دادن آن مدرک نوشته شده به کاندیدای خود، مدارک لازم برای شکایت را فراهم کنند که دیدیم که اینطور نشد و آقایان هیچ گزارشی از صندوقهای رأی ارائه ندادند.

ج- پس از اعلام نتایج و آغاز شلوغی های خیابانی نیز، به دلایل امنیتی، سیستم پیامک وصل نشد. به راحتی قابل فهم است که آشوبگران و اغتشاشگرانی که بعضاً از قبل برنامه ریزی نموده اند، با در اختیار داشتن پیامک، خیلی راحت تر به اهداف خود می رسیدند.

۱۶- چرا وزارت کشور در ارائه آمار شهر به شهر و به تفکیک صندوقها، این همه تعلل کرد؟

الف- همانطور که قبلاً هم توضیح داده شد، نتایج رأی گیری در هر صندوق در فرمهای متعددی ثبت می شود. این فرمها به بخشدارها و فرماندارها منتقل شده و در آنجا بعد از جمعیت با دیگر فرمهای دریافتی، فرمهای مخصوص دیگری پر می شوند. فرمهای جدید به استاندارها ارسال و در آنجا ضمن جمعیت در فرمهای مخصوص دیگری ثبت می شوند. نتایج حاصل به صورت فرمهای متعدد به وزارت کشور ارسال می شود و در آنجا ثبت شده و اطلاع رسانی می شود. حال در نظر بگیرید که برای اعلام عمومی نتیجه تفکیکی صندوقها، اتفاقات فوق باید برای بیش از ۴۶ هزار صندوق در سراسر کشور بیفتد، هماهنگی های لازم با بخشهای مختلف نظارتی و امنیتی برای اعلام عمومی این اطلاعات انجام شود و بررسی های مجدد بر روی آمار صورت پذیرد تا میزان خطاهای انسانی کاهش یابد. مسلماً این فرآیند نیاز به صرف وقت طولانی خواهد داشت. (با توجه به این که اعلام اینگونه آمار در انتخابات ایران بی سابقه بوده است، هماهنگی های امنیتی زیادی برای کسب اجازه انتشار عمومی لازم بوده است.)

ب- برای اولین بار در تاریخ انتخابات ایران، وزارت کشور تنها چند روز پس از برگزاری انتخابات، نتایج تفکیکی شهرها را در اختیار عموم قرار داد. (در دوره های قبل این اطلاعات پس از چند ماه، آن هم فقط در اختیار افراد خاص قرار می گرفت.) بنابراین در اعلام این آمار هم وزارت کشور یک رکورد را ثبت کرده است و نه تنها جای ملامت ندارد که قدردانی از تلاش شبانه روزی آنها را می طلبد.

۱۷- در جریان تبلیغات انتخاباتی تقلبات گسترده ای انجام شده است: توهین و افترا به افراد سرشناس در مناظرات تلویزیونی، استفاده از وقت اضافه در تلویزیون، خرید رأی، افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان، توزیع سود سهام عدالت، توزیع سیب زمینی رایگان، استفاده از امکانات دولتی و بیت المال در تبلیغات، حضور نیروهای بسیج، و ... همه اینها باعث تأثیر بر روی رأی مردم شده اند.

الف- برخی از موارد فوق جرم محسوب می شود و اثبات آنها نیاز به ارائه سند و اثبات در محکمه قضایی دارد و هر عقل سلیمی تصدیق می نماید که نمی توان با توسل به ادعای اثبات نشده ای، ادعای دیگری را اثبات نمود.

ب- مواردی از قبیل استفاده از امکانات دولتی، توهین و افترا، خرید رأی، هدیه لب تاپ به خبرنگاران و ... در انتخابات قبلی نیز مشاهده شده است و به دلایل مختلف تأثیرگذار بر نتیجه انتخابات دانسته نشده است. حال چگونه است که این موارد می شود دلیلی بر اثبات تقلب. آیا نتایج انتخابات قبلی نیز متقلبان بوده است؟ در همین دوره نیز مواردی از قبیل استفاده از امکانات دانشگاه آزاد و برخی مؤسسات دولتی، دادن مواد غذایی در خانه های مردم، هدیه مانتوهای رنگی، توهین و افترا به رئیس جمهور قانونی کشور، استفاده از وقتهای تلویزیونی برای تخریب نامزد غائب (بر خلاف قوانین)، تشکیل بخش بسیجیان در ستاد تبلیغاتی و به کارگیری یک سردار بازنشسته سپاه، و ... به کرات مشاهده شده است. بنابراین با فرض اثبات موارد فوق، اشکال به هر دو طرف و انتخابات گذشته نیز وارد می شود.

ج- واقعیت این است که وقتی یکی از نامزدها، رئیس جمهور فعلی کشور است از برخی امکانات برخوردار است که دیگر نامزدها برخوردار نیستند. از جمله این امکانات عبارتند از: انجام وظایف قانونی رؤسای جمهور، اطلاع رسانی فعالیتها و پروژه های تکمیل شده، خدمت رسانی به مردم، استفاده از گارد حفاظتی رئیس جمهور (!) و ... (شاید به همین علت است که تمامی رؤسای جمهور در ایران و اکثر

کشورهای دنیا، دو دوره منتخب مردم می شوند). مسلم است که نباید توقع داشت که فعالیتهای دولت در طی تبلیغات انتخاباتی تعطیل شود تا مبادا بر نتیجه انتخابات تأثیری بگذارد.

د- مردمسالاری یعنی حرف آخر را مردم می زنند. مردم از اغلب موارد ادعایی در فوق، قبل از روز رأی گیری اطلاع داشتند. همین مردم، به پای صندوقها آمده و فردی را انتخاب کردند که به ادعای برخی، همه این تخلفات را مرتکب شده است. طبق قواعد مردمسالاری این انتخاب صائب است و باید مورد احترام باشد، زیرا تشخیص مردم این بوده است که این فرد از دیگر نامزدها بهتر و اصلح است و احیاناً تخلفات و تقلباتش کمتر می باشد.

ه- اگر در یک مسابقه فوتبال، یکی از دو تیم، قبل از برگزاری مسابقه، مشاهده نماید که تیم مقابل تخلفات متعددی مرتکب شده و حتی داور و فدراسیون و فیفا را خریده است و به هیچ نحو، امکان برگزاری بازی برابر و جوانمردانه وجود ندارد، از بازی کردن در آن شرایط کنار می کشد و اصلاً این بازی را به رسمیت نمی شمارد؛ نه اینکه در بازی شرکت کند و وقتی باخت، بگوید من از اول می دانستم که همه اینها دست در دست هم داده بودند که ما پیروز نشویم. به همین شکل اگر آقای موسوی فضا را ناعادلانه و پر از تقلب می دید، می توانست انصراف دهد و در آن صورت بود که پیگیری ادعاهای ایشان صادقانه تر به نظر می رسید.

۱۸- چرا آقای احمدی نژاد طرفداران آقای موسوی را خس و خاشاک نامید؟

الف- این ادعای کذب برای داغ کردن آشوبهای خیابانی مطرح شد و با شانناژ، آن قدر تکرار شد که عده زیادی آن را باور نمودند. متن صحبت رئیس جمهور این است: «در انتخابات ۴۰ میلیون نفر خودشان بازیگر اصلی و تعیین کننده اصلی بودند، حالا ۴ تا خس و خاشاک در این گوشه‌ها یک کاری می کنند. بدانید که این رودخانه زلال ملت جایی برای خودنمایی آنها نخواهد گذاشت.» پس از مطرح شدن این ادعای کذب، شخص رئیس جمهور و دفتر ایشان به صورت کتبی آن را تکذیب نمودند و صدا و سیما اظهارات ایشان را مجدداً پخش نمود تا این شائبه از بین برود.

۱۹- نامه ای از جانب وزیر کشور به رهبری منتشر شد که در آن آرای واقعی آمده بود و آقای موسوی اول، آقای کروبی دوم، احمدی نژاد و رضایی هم به ترتیب سوم و چهارم شده بودند. کسی که این نامه را منتشر کرد هم در یک حادثه ساخته شد.

نامه به دلایل زیر به صورت ناشیانه ای ساختگی است:

الف- کاغذ دارای موج است، در حالیکه نوشته های آن کاملاً صاف است. در حالت عادی باید نوشته ها هم از موج کاغذ یعنی فرو رفتگی ها و برجستگی های کاغذ، تأثیر بگیرند. این بدان معنی است که نوشته توسط نرم افزاری مانند فتوشاپ بر روی کاغذ قرار گرفته است.

ب- کیفیت عکس در نقاط مختلف یکسان نیست، این نشان می دهد که کاغذ اسکن شده نیست بلکه با فتوشاپ ساخته شده است.

ج- اسم وزیر کشور، سید محمد صادق محصولی است که در نامه صادق محصولی ذکر شده است.

د- برای انتقال چنین مطلب مهم و حساسی، نامه نگاری بعید به نظر می رسد، و اطلاع رسانی حضوری معقول تر است.

ه- بر فرض نگارش همچین نامه ای، باید در رده بندی سری یا فوق سری قرار می گرفت. در حالیکه هیچ مهری دال بر حتی محرمانه بودن آن هم دیده نمی شود.

و- امضای نامه از طرف کاظمی نژاد است. بعید به نظر می رسد که وزیر، امضای چنین نامه محرمانه و مهمی را، آن هم برای شخص اول مملکت، به فرد دیگری واگذار کند. ضمن اینکه چنین فردی در وزارت کشور وجود ندارد!

ز- نظرسنجی ها و جو عمومی جامعه نشان دهنده این بود که آقای کروبی، بسیار بعید است که نفر دوم شده باشد؛ همگان اذعان داشتند که رقابت بین آقایان احمدی نژاد و موسوی بود.

ح- نامه شماره ندارد و نامه ی بی شماره اعتبار ندارد.

ط- در قسمت بالای نامه اثر سوراخ (سوزن یا منگنه) وجود دارد. در حالیکه نامه پیوست ندارد.

ی- مشارکت مردمی هم ۹۱ درصد می باشد.

ک- مجموع رای کل نامزدها به اضافه آرای باطله، یک میلیون از مقدار کل آرا کمتر است.

پس از انتشار این نامه، سایتهای زیادی (در داخل و خارج) با انتشار عکس آقای محمد عسکری مدعی شدند که ایشان مسئول امنیت شبکه تکنولوژی اطلاعاتی IT وزارت کشور بوده و به دلیل لو دادن این مطلب، وی کشته شده است. این در حالی است که فرد مورد ادعا،

چندین روز پس از خبر شهادتش (!) به خبرنگار تابناک گفته است: «بنده چنین مسئولیتی در وزارت کشور ندارم و همان گونه که رسانه‌ها در جریان هستند، نایب رئیس فدراسیون ورزش‌های رزمی هستم و در دوران فعالیت، دو یا سه بار برای مسائل مربوط به حوزه کاری‌ام به وزارت کشور رفته‌ام. همان گونه که مشخص است، در سلامتی کامل هستم و این شایعات نیز همچون بسیاری از شایعات پایه و اساسی نداشته و صرفاً برای تشویش افکار عمومی بوده است که در سطح گسترده منتشر شده بود.»

۲۰- مگر بر طبق اصل ۲۷ قانون اساسی تجمع و راهپیمایی غیر مسلحانه آزاد نیست؟ چرا وزارت کشور این تجمعات را غیرقانونی می‌داند و مجوز صادر نمی‌کند؟

الف- قانون اساسی کشور، وظیفه بیان سیاست‌های کلی را دارد. وظیفه تصویب قوانینی که جزئیات را روشن نمایند، مطابق با قانون اساسی، بر عهده مجلس شورای اسلامی است. وقتی در متن این قانون، "مخل مبانی اسلام نبودن" را اشاره کرده است، به لحاظ عقلی و منطقی باید نهادی قانونی نیز آن شرط را بررسی و احراز کند.

ب- در تاریخ ۹ تیرماه سال ۱۳۶۱ قانون احزاب مصوب مجلس توسط نخست وزیر وقت (آقای میرحسین موسوی) ابلاغ شد که مواد ۳۰، ۳۱ و ۳۲ این قانون مربوط به توضیح همین اصل قانون اساسی است. طبق ماده ۳۰، تقاضای برگزاری راهپیمایی و اجتماعات باید یک هفته قبل از موعد برگزاری آن به صورت «کتبی» و «حضوراً» توسط «نماینده رسمی و معرفی شده» آن گروه به وزارت کشور تسلیم شود. بر اساس ماده ۳۱ این قانون، گروه‌ها موظف هستند برای انجام راهپیمایی و یا تشکیل تجمعات، «تعهدی مبنی بر عدم حمل سلاح و عدم اخلال نسبت به مبانی اسلام و امنیت کشور به وزارت کشور تسلیم کنند.» (اصل ۲۷ قانون اساسی می‌گوید: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.») و بالاخره مطابق ماده ۳۲ این قانون، گروه‌ها موظف هستند قبل از انجام راهپیمایی و یا تشکیل اجتماعات خود و در زمان تسلیم درخواست حضوری‌شان «موارد ۹ گانه» مقابل را مشخص کرده و «مدارک لازم» را به مسئولین ارائه دهند؛ الف- موضوع راهپیمایی و یا اجتماع و هدف از آن. ب- تاریخی برگزاری و ساعت آغاز و پایان آن. ج- مسیر راهپیمایی و ابتدای و انتهای آن. د- محل سخنرانی و قرائت قطعنامه پایانی. ه- مشخصات کامل مسئولین اجرایی و انتظامات مراسم با معرفی کتبی از گروه مربوطه. و- سخنرانان و موضوع سخنرانی. ظ- شعارهای راهپیمایی. خ- یک نسخه از قطعنامه تهیه شده. ح- یک نسخه از طرح و شیوه انتظامات داخلی.

ج- متأسفانه کسانی که روزی همین قانون را ابلاغ نموده اند، امروز با دور زدن آن، توقع دارند که با ارسال یک نمابر (بدون حاضر شدن در وزارت کشور و پر نمودن مدارک و طی روند قانونی و پذیرفتن مسئولیت)، وزارت کشور به آنها مجوز برپایی راهپیمایی بدهد!

د- معنی «آزادی» در قانون اساسی این است که به خودی خود آزاد است. کما این که رانندگی هم در کشور آزاد است. یعنی به قشر خاصی تعلق ندارد و همه می‌توانند راننده شوند؛ اما در همین مثال رانندگی نیز باید فرد گواهینامه‌ی آن را دریافت کند.

۲۱- در بازشماری آرا شاهد برگهای رأی تانخورده و تمیز، دست خط های مشابه، نوشته شورای شهر روی یکی از صندوقهای رأی و ... بودیم.

اگر فرض کنیم آنچه در عکسها دیده می‌شود برگهای تانخورده است (که اینگونه نیست و در ادامه به آن خواهیم پرداخت) اشکالات زیر به ادعای فوق وارد است:

الف- در هیچ قانون قضایی جهان، عکس مبنای حقوقی ندارد. ادعای فوق بر اساس عکسهایی است که خبرگزاری ایرنا از یک حوزه بازشماری آرا در تهران منتشر کرده است. با توجه به اینکه تمام بازشماری‌ها با حضور دوربینهای صدا و سیما انجام شده است، در صورت باقی ماندن ابهام می‌توان جزئیات بیشتری در مورد تعداد و نحوه این آرا به دست آورد.

ب- با توجه به طراحی اندازه تعرفه‌ها و صندوق‌ها، لزومی به تا کردن رأی برای انداختن رأی وجود ندارد. بنابراین ممکن است تعدادی از آرای هر صندوق تانخورده باشند.

ج- در قوانین مربوط به انتخابات هیچ منعی برای وجود رأی تانخورده در صندوق‌ها وجود ندارد. یعنی چه در زمانی که قانون، مشخصات رأی باطله را عنوان می‌کند (مواد ۲۶ و ۲۷) و چه هنگامی که مورد تخلف در رأی‌گیری را بر می‌شمرد (ماده ۳۳) صحبتی از تعرفه تانخورده نشده است.

د- در عکسهای مورد ادعا، مشخص نیست که آیا تمام تعرفه‌های تانخورده به نفع یک نامزد هستند و یا مربوط به همه نامزدها می‌باشند؟ چه بسا تعداد زیادی از این تعرفه‌ها به نفع آقای موسوی باشند.

اما کمی دقت در عکسهای مورد ادعا نشان می دهد که تعرفه ها تاخوردده هستند و به دلایلی نظیر اینکه تنها یک تا (از وسط) دارند، برای شمارش توسط مجریان صاف شده اند، در دسته های صدتایی بسته بندی شده و برای مدت طولانی روی هم قرار گرفته اند و ... در عکسها تاخوردده به نظر می رسند. (در این زمینه روی عکسها یک کار هندسی هم صورت گرفته که با شیوه های مختلف اثبات کرده است که رأی ها تاخوردده هستند.) در مورد تمیزی برگهای رأی نیز باید پرسید: وقتی فرد فقط می خواهد اسم نامزد مورد نظر خود را روی برگ بنویسد، به چه دلیل باید تعرفه ها کثیف شوند؟!

ه - در مورد دست خطهای مشابه نیز باید گفت: اولاً تنها سه دست خط قابل مشاهده است و تعمیم آن به بقیه آرا، بدین صورت ممکن نیست. ثانیاً دست خطها به همان مقدار که مشابه هم هستند، با هم تفاوت هایی هم دارند. (مثلاً حروف یا، الف و دال در سه برگ کاملاً متفاوت نوشته شده اند و نوشتن عددها نیز با هم فرق می کند.) ثالثاً اثبات یکسان بودن دست خط نیاز به نظر کارشناس دارد و استفاده از نظر اشخاص (که احتمال اختلاف در آن زیاد است) غیر منطقی است. رابعاً عقل نمی پذیرد که تمام ۴۰ میلیونی که رأی داده اند، باید دست خط کاملاً متمایز داشته باشند، و اگر این طور نباشد، تقلب شده است و باید انتخابات را ابطال کرد! خامساً همیشه شاهد بوده ایم که برخی افراد به دلایلی نظیر بی سوادی، کهولت سن و ... از دیگران برای پر کردن برگ رأی خود کمک می گیرند. این مطلب به خصوص در روستاها که اغلب بی سواد و پیر هستند مشاهده می شود و گاهی رأی اغلب قریب به اتفاق اعضای یک روستا را یک فرد می نویسد.

و- در مورد وجود صندوق شورای شهر: روی یکی از صندوق ها (ممکن است روی صندوق های رای دیگر هم چیزهای دیگری نوشته شده باشد) با ماژیک آبی نوشته شده «شوراهای شهر». علت وجود چنین مواردی استفاده از این صندوق ها برای همه انتخابات است. ممکن است روی برخی از صندوقها در یک دوره، به ضرورت، چیزی نوشته باشند که در انتخابات بعدی به هر دلیلی آن را برطرف ننمایند. (مثلاً در انتخابات شورای شهر گذشته، همزمان انتخابات میان دوره ای مجلس خبرگان هم برگزار شده بود و برای جلوگیری از اشتباه، نوشتن نام انتخابات شورای شهر بر صندوق لازم بوده است). آیا وجود چنین نوشته ای دلیل تقلب است؟

ز- به نظر می رسد نداشتن کوچکترین سند و مدرک محکمه پسند برای اثبات تقلب، جریان مدعی را به مطرح کردن دلایل واهی کشانده است تا بتوانند به هر نحو ممکن مخاطبان ناآگاه خود را برای رسیدن به اغراض مورد نظر نگه دارند. برای اثبات تقلبی که منجر به ابطال انتخابات شود نیاز به مدارک و اسنادی است که بیانگر تقلب به میزان حدود ۱۱ میلیون باشد. اگر این اتفاق افتاده باشد، یافتن اسناد برای آقای موسوی که به ادعای سایت قلم ۵۰ هزار نماینده، و بنابر آمار بیش از ۴۰ هزار نماینده سر صندوقها داشته است، نباید کار مشکلی باشد. اما شواهد بسیاری نشان می دهد که ایشان بدون داشتن اسناد لازم، مدام بر طبل ابطال انتخابات کوبیده و هزینه های غیر قابل جبران مادی و معنوی بر کشور تحمیل نموده اند. برخی از این شواهد عبارتند از: ه-۱: اظهارات سخنگوی شورای نگهبان مبنی بر عدم ارائه اسناد و مدارک کافی از سوی نامزدهای معترض. ه-۲: نامه های سرگشاده آقای موسوی و اشاره ایشان به مواردی نظیر توهین به شخصیتها، پرداخت سهام عدالت، استفاده از وقت تلویزیونی و ... به جای ارائه اسناد و اطلاعات دقیق نسبت به تخلفات انتخاباتی و ارسال آنها به وزارت کشور. ه-۳: درخواست سایت آینده (وابسته به پسر آقای هاشمی و حامی سرسخت آقای موسوی) از کاربران خود، برای ارسال اسناد تقلب در انتخابات! ه-۴: بیانیه نهم آقای موسوی (صادره در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۸۸) که در آن به تشکیل شورایی اشاره شده است که می خواهد اسناد تقلب در انتخابات را یافته و جمع آوری نماید! ه-۵: و از همه مهمتر نظر شورای نگهبان و هیئت ویژه که پس از حدود ۱۵ روز بررسی دقیق و بازشماری حدود ۱۰ درصد از آرا در حضور دوربین های صدا و سیما، مبنی بر نبود تقلب تأثیرگذار در انتخابات عنوان شد.

۲۲- در جریان افتتاح مرکز اسناد و کتابخانه مرکزی شیراز تعداد ۴ عدد صندوق رأی پیدا شد. صندوقهایی که باید در وزارت کشور باشد، آنجا چه می کند؟

الف- یکی از وظایف سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (و مراکز تابعه آن در شهرستانها) شناسایی، جمع آوری و نگهداری کلیه اسناد و مدارک تولید شده در نهادهای دولتی می باشد. برگزاری انتخابات در کشور منجر به تولید اسناد و مدارکی می شود که یکی از آنها صندوق های اخذ رأی است. براساس مواد ۷۷ و ۸۸ آیین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و نیز تبصره های ذیل آن و ماده ۶۲ آیین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، نمونه هایی از صندوق های اخذ رأی پس از انجام کلیه مراحل اداری و قانونی به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (و مراکز شهرستانی آن) جهت نگهداری دائمی منتقل می شود. صندوق های نگهداری شده در مرکز اسناد شیراز، مربوط به سومین دوره شورای اسلامی شهر و روستا، چهارمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری و هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بوده است. به طور مثال یکی از صندوق های به نمایش گذاشته شده در مخزن اسناد، صندوق شماره ۳۱/۶ متعلق به مدرسه راهنمایی مطهری حوزه مرکزی - شیراز - فارس و انتخابات سومین دوره شورای اسلامی شهر و روستا می باشد.

ب- در اینجا سؤالی مطرح می شود که اصولاً وجود چند صندوق رأی در مرکز اسناد یک شهرستان چگونه می تواند بیانگر تقلب باشد؟ (آن هم تقلب ۱۱ میلیونی در انتخاباتی که بیش از ۴۵ هزار صندوق دارد؟) آیا مطرح کردن این مسائل نشانگر خالی بودن دست طرف مقابل از ارائه اسناد و مدارک کافی برای اثبات تقلب (بخوانید توهم تقلب) نیست؟ البته این مسئله (مانند خیلی از ادعاهای دیگر) این قدر واضح بوده است که توسط یک گرداننده وبلاگ مطرح شده است و سایت‌های رسمی مدعیان تقلب، مانور چندانی روی آن نداده اند.

ج- اگر وجود صندوق‌های رأی در مرکز اسناد نشانه تقلب است، به آقایان مژده می دهیم که می توانند به مخزن مرکز اسناد و کتابخانه ملی در تهران مراجعه نموده و دهها صندوق دیگر را مشاهده کنند. همین طور است با مراجعه به مراکز اسناد در شهرستانها!

۲۳- چرا صدا و سیما در جریان انتخابات کاملاً یک طرفه بود و برخلاف قانون اساسی انصاف را رعایت نمی کرد؟ قبل از انتخابات با پوشش بی سابقه فعالیتهای دولت، دادن وقت اضافه به نامزد خاص و ... و بعد از انتخابات با دعوت نکردن از منتقدان، اغتشاش گر خواندن مردم، نشان ندادن تصاویر ضرب و شتم مردم عادی و ... باعث ایجاد بی اعتمادی نسبت به رسانه ملی شد.

عملکرد صدا و سیما، برخلاف خیلی از ارگانهای دیگر، در جلوی چشم مردم است و افراد می توانند با واقعیتهایی که می بینند، میزان بی انصافی های آن را تا حد زیادی تشخیص دهند. در زمینه عملکرد صدا و سیما در جریانات اخیر نظرات گوناگونی از جانب افراد مختلف (که اغلب شاهد فعالیتهای و احياناً اتفاقات و حوادث بوده اند) مطرح شده است که می توان همه نظرات را در دو دسته قرار داد: ۱- موافق با عملکرد صدا و سیما؛ درباره عملکردهای مثبت، موارد زیادی مطرح می شود و افراد و مسئولین مختلف درباره آنها شفاف سازی می نمایند. ۲- مخالف با عملکرد آن: انتقاداتی بر عملکرد صدا و سیما مطرح است که متأسفانه تاکنون مسئولین صدا و سیما پاسخ مناسب به آنها نداده اند. در اینجا سعی ما بر این است که با ذکر چند نکته، ضمن اشاره به انتقاداتی که به صدا و سیما می شود، به جنبه های عملکرد مثبت صدا و سیما (که بعضاً در نوع خودش بی سابقه بوده است) بپردازیم. مسلماً در صورت ارائه پاسخ های منطقی از سوی مسئولین صدا و سیما برای انتقادات، در نظرآتمان تغییراتی به وجود خواهد آمد.

الف- یکی از نقاط منفی در عملکرد صدا و سیما در جریانات اخیر نحوه پاسخ به شبهات مربوط به تقلب بوده است. صدا و سیما می توانست با دعوت از برخی منتقدان، که در جریان معترض، مقبولیتی دارند، شبهات را از زبان آنها مطرح نماید و زمینه پاسخ گویی به مسئولین را باز نماید. برای این کار کافی بود مدل مناظرات تلویزیونی را در سطح مدیریتی پایین تر و با برطرف کردن برخی عیوب (که مقام معظم رهبری نیز این کار را توصیه نمودند) برای پاسخ به شبهات انتخاباتی تکرار نماید. (به طور مثال می توانستند آقایان محتشمی پور و دانشجو را در یک مناظره جلوی هم قرار دهند). هر چند اغلب قریب به اتفاق شبهات مطرح شده، توسط مجریان برنامه های تلویزیونی از مسئولین مدعو، پرسیده می شد و پاسخ های منطقی و مستدل مسئولین نیز مسائل را روشن می ساخت، ولی متأسفانه این حالت نمی توانست معترضین را به اندازه کافی اقناع کند. ناگفته نماند که در روزهای نخست پس از انتخابات، صدا و سیما در یکی از گفتگوهای ویژه خبری، آقای رضایی را دعوت کرد که این حرکت نیز خالی از اشکال نبود. زیرا سخنرانی یک طرفه منتقدین، می توانست فضای آن روزها را ملتهب تر نماید. بنابراین به نظر می رسد که بهترین راه کار، برپای مناظرات تلویزیونی بود که متأسفانه برگزاری حتی یک مورد از آنها را شاهد نبودیم. همچنین صدا و سیما می توانست با تهیه یک مستند، مردم را با نحوه رأی گیری و قوانین آن در کشور، که انجام تقلب (آن هم در حد ۱۱ میلیون) را تقریباً غیر ممکن می کند، آشنا نماید تا مردم در مقابل شائبه تقلب واکنش نشان دهند.

ب- انتقاد دیگری که به صدا و سیما مطرح می شود، نحوه پوشش اعتراضات مردمی پس از انتخابات است. ذکر چند نکته در ابتدای بحث لازم است: اول- برخورد با اغتشاش گران و رفتارهای خلاف قانون، صحیح و پسندیده است و از وظایف مسئولین مربوطه و مورد انتظار قاطبه مردم است؛ از طرف دیگر حرکت های غیرقانونی و بدعتهای آشکار، رفتاری است نادرست و نکوهیده که باید به روش صحیح با آن برخورد شود. بنابراین اگر افرادی به بهانه های مختلف دست به اعمال مجرمانه و آزار و اذیت مردم و تخریب اموال عمومی بزنند، باید مورد بازخواست قرار بگیرند؛ همانطور که ضرب و شتم بی دلیل مردم و افراد بی گناه، از طرف هر کسی که باشد، اشتباه بوده و مرتکبان باید پاسخگو باشند. دوم- در برخوردهای نیروی انتظامی و لباس شخصی ها با اغتشاش گران، اشتباهاتی وجود داشت؛ همانطور که در رفتارهای اعتراضی منتقدین نیز اشتباهاتی مشاهده می شد. سوم- مردم از طریق مشاهدات عینی، شنیدن از دوستان و آشنایان، مشاهده از طریق ماهواره و اینترنت و ... در جریان بسیاری از اتفاقاتی که رخ داد، قرار می گرفتند؛ (هر چند در این روند شاهد شکل گیری تعداد زیادی شایعات و ذکر یک طرفه وقایع بودیم)؛ همانطور که صدا و سیما تا حدود زیادی، به صورت یک طرفه وقایع را گزارش می کرد. (البته ناگفته نماند که صدا و سیما به شایعات و دروغ پردازی ها دامن نمی زد. به عبارت دیگر جز راست نمی گفت، اما همه راست را هم نمی گفت).

چهارم- تعداد زیادی از افرادی که در اجتماعات، اقدام به اعمال مجرمانه می زدند به خاطر جوگیر شدن در آن فضا بود و می توان بنا به فرمایش حضرت علی (علیه السلام) با اغماض از کنار رفتار آنها گذشت و آنها را بخشید؛ (نامه ۵۳ نهج البلاغه) همانطوری که برخی مأمورین انتظامی و لباس شخصی ها دچار جوگرستگی شده و برخوردهای اشتباه انجام می دادند، که می توان از کنار بعضی موارد گذشت. اما از مسئولین توقع می رود که نسبت به برخورد با متخلفین (هم در بین معترضین و هم در بین مأمورین) اقدامات لازم را انجام نموده و به مردم اطلاع رسانی کنند. مطالب فوق (قسمت ب) در دو حوزه دسته بندی می شود: قسمتی مربوط به عملکرد نیروهای انتظامی می شود و قسمتی مربوط به عملکرد صدا و سیما. راجع به قسمت اول به ذکر یک مطلب بسنده می کنیم؛ بنا به فرمایش مقام معظم رهبری در مورد این اتفاقات، باید قبول کرد که افراط، افراط می آورد. یعنی اگر عده ای پیدا شدند که به بهانه اعتراض به نتیجه انتخابات، به خیابانها ریختند و به اعمال مجرمانه دست زدند (اذیت و آزار مردم، تخریب اموال عمومی، توهین به مقدسات و مسئولین بلندپایه نظام و ...) عده دیگری که مقدسات خود را مورد هجوم دیده و برای آنها احساس خطر می نمایند، دست به رفتارهای اشتباه می زنند. (هجوم به خوابگاههای دانشجویی و علی الخصوص کوی دانشگاه، ضرب و شتم افراد بیگناه، ورود به خانه های مردم بدون حکم، آسیب زدن به ماشین ها و موتورهای بی سرنشین، و ...) واقعیت این است که هر دو این رفتار غلط بوده و در واقع علت و معلول یکدیگرند و نباید به تقبیح یکجانبه آنها پردازیم. (یافتن علت اولیه و مقصر اولیه در این حالت نیز، مانند یافتن این است که ابتدا مرغ وجود داشته است یا تخم مرغ؟! البته تأکید می شود که این مثال برای افراط گری ها است، ولی در مورد اصل عمل همانطور که قبلاً هم اشاره شد، عملکرد نیروی انتظامی قانونی و پسندیده و اعتراض خیابانی به نتیجه انتخابات غیرقانونی و ناپسند است.) مطلبی که در مورد عملکرد صدا و سیما باید عرض کنیم این است که: مردم از طرق مختلف (که در بالا به چند مورد اشاره کردیم) از رفتارهای هر دو گروه مطلع می شوند. بنابراین نباید انتظار داشت که اگر مطلبی را صدا و سیما پوشش ندهد به گوش مردم نمی رسد؛ بلکه عدم اطلاع رسانی صحیح این رسانه باعث می شود که اولاً اعتماد برخی مردم نسبت به آن کمتر شود و ثانیاً رسانه های دیگر، اخبار را مطابق میل خود به اطلاع مردم برسانند. بنابراین توقع این بود که صدا و سیما ضمن بیان اشکالات حرکات غیر قانونی و پوشش زحمات نیروهای انتظامی، اشتباهاتی که در برخورد با مردم صورت گرفت را نیز اطلاع رسانی می نمود و این دلگرمی را به مردم می داد که افراد، می توانند حقوق ضایع شده خود را پیگیری کنند. (البته بارها شاهد این بودیم که مسئولین نیروی انتظامی از مردم می خواستند، شکایات و خسارات خود را به پلیس اطلاع دهند.) ذکر این نکته نیز لازم است که مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی (که در انتهای همین متن ذکر خواهد شد) صدا و سیما موظف است در تأمین آزادی بیان و نشر افکار از مواردی که اولاً خلاف «موازین اسلامی» و ثانیاً مخالف «مصالح کشور» است دوری کند؛ بنابراین نمی توان از این رسانه ملی انتظار داشت که همه حوادث و نظرات مختلف را بدون در نظر گرفتن دو مؤلفه فوق منعکس نماید.

ج- یکی دیگر از انتقاداتی که به صدا و سیما مطرح بود پوشش بی سابقه اخبار دولت در ایام نزدیک به انتخابات بود. در این رابطه نیز چند نکته را یادآور می شویم: اول- آمار، مشاهدات عینی و سخنان مسئولین صدا و سیما نشان می دهند که این ادعا نادرست است. زیرا در این مدت، بسیاری از پروژه ها و فعالیتهای دولت، که در شرایط عادی اطلاع رسانی می شد، تحت پوشش اخبار صدا و سیما قرار نگرفت که این موضوع مورد انتقاد حامیان دولت قرار داشت. دوم- واقعیت این است که در همه انتخابات، نامزدی که هنوز بر سر کار است، امکاناتی دارد که بقیه نامزدها از داشتن آنها محرومند؛ امکاناتی نظیر خدمت رسانی، انجام وظایف قانونی، بهره برداری از پروژه های اتمی و ... ! شاید یکی از دلایلی که تمامی دوره های ریاست جمهوری کشور، تاکنون دو دوره ای بوده است، همین مطلب باشد. سوم- این روال صدا و سیما در دوره های گذشته نیز وجود داشته است و چیز جدیدی نیست. در همان دوره ها نیز این حرکت با اعتراض نامزدهای رقیب مواجه می شده است که در مقابل آن افرادی نظیر آقای هاشمی رفسنجانی از این حرکت صدا و سیما دفاع می نموده اند. (در پنجمین قسمت از مستند جمهور، می توانید سخنان ایشان را ببینید.)

د- یکی دیگر از انتقاداتی که به عملکرد صدا و سیما وارد می شود، دادن وقت اضافه به آقای احمدی نژاد در تلویزیون است. چند نکته: اول- مطابق قانون مناظرات که نامزدها آن را پذیرفته بودند و در ابتدای هر مناظره نیز به مردم و نامزدها تذکر داده می شد، نقد نامزد غایب باعث پدید آمدن همان مقدار زمان برای او جهت دفاع از خود می شد. در طی مناظرات، همگی شاهد آن بودیم که سه نامزد رقیب آقای احمدی نژاد (علی الخصوص آقایان موسوی و کروبی) اکثر وقت خود را به نقد ایشان می پرداختند. (تا آن حد که پس از مناظره آقایان موسوی و کروبی، این پیامک رواج پیدا کرده بود: کروی خطاب به موسوی: آقای موسوی من دهنم کف کرد از بس فحش دادم، بقیه اش را شما بگو!) بنابراین طبق قانون باید زمانی برای دفاع به آقای احمدی نژاد اختصاص می یافت که در نهایت، مطابق قانون حدود بیست دقیقه به ایشان داده شد. (که البته مورد اعتراض حامیان ایشان قرار گرفت و مدعی بودند که باید بیشتر از اینها می بود.) ضمن اینکه به آقایان دیگر نیز وقتی داده شد، که آنها به دلیل کم بودن مدت، از این فرصتها استفاده نکردند. دوم- آقای موسوی بارها ادعا کرد که دادستان کل کشور این حرکت را خلاف قانون شمرده است. این در حالی است که مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی کشور، شورای نظارت بر صدا و

سیما متشکل از ۶ نفر (از هر قوه دو نفر) می باشد که دادستان کل کشور یکی از آنها است و نظر ایشان به تنهایی هیچ گونه وجاهت قانونی ندارد.

ه - یکی از عملکردهای مثبت صدا و سیما که مورد تأکید همگان قرار گرفت، برگزاری مناظرات زنده تلویزیونی بین نامزدها بود. این مناظرات آثار مثبت فراوانی داشت؛ از جمله: نشان دادن آزادی بیان در کشور، حضور حداکثری در انتخابات، آشنایی بیشتر مردم با نامزدها و ... البته نکات منفی نیز در این حرکت وجود داشت که می توان به احساسی شدن نامزدها و دور شدن از فضای منطقی و بحث علمی، نام بردن از شخصیت‌های غایب، توهین به رئیس جمهور رسمی کشور، بیان مطالب خلاف واقع، و ... که این موارد به صورت مستقیم به عملکرد صدا و سیما مربوط نمی شد و بیشتر به سوءاستفاده کاندیداها از فضای موجود بر می گشت. (ذکر این نکته خالی از لطف نیست که حدود ۳۰ شخصیت حقوقی و حقیقی راجع به مطالب این مناظرات، به صدا و سیما شکایت کرده اند.)

و - پخش مستندات نامزدها (بدون هیچ گونه دخل و تصرف و سانسوری) و پوشش بخشهایی از سخنرانی های آنها، از دیگر نکات روشن در عملکرد انتخاباتی صدا و سیما بود.

ز - از نکات مثبت دیگری که در عملکرد صدا و سیما مشاهده شد، اطلاع رسانی سریع و به موقع راجع به موارد زیر بود: نتایج انتخابات، اظهار نظرهای مختلف پس از آن، اتفاقاتی که در کشور رخ داد (با در نظر گرفتن انتقادات فوق)، جدا کردن مردم از اغتشاش گران، عملکرد کشورهای غربی و دشمنان ملت ایران، پاسخ به جنگهای روانی، پاسخ به شبهات مطرح و ... که در نوع خود بی نظیر بود و جلوی بسیاری از آشوبها و کج فهمی ها را گرفت.

ح - ذکر چند قسمت از سیره و سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد مطالب فوق و جریانات انتخاباتی، بد نیست: اول - ایشان اگرچه بارها به رحمت و مهربانی با مردم دستور می دهند (فروع کافی، ج ۳، ص ۵۴۰: «هرگز با هیچ مسلمان، یهودی یا مسیحی با خشونت برخورد نکن.») در عین حال استفاده به جا از برخورد قهری را لازم می دانند. (نامه ۴۶ نهج البلاغه: «در جایی که جز با درستی کار انجام نمی گیرد، درستی کن.») دوم - ایشان اگرچه به درگذشتن از برخی خطاها و لغزشهای مردم - حتی اگر عمدی باشد - دستور می دهند (نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر: «از آنها (مردم) خطاها سر خواهد زد و علت‌هایی عارضشان خواهد شد و به عمد یا خطا، لغزشهایی کنند؛ پس، از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده.») و از ریختن به ناحق خون مردم بر حذر می دارند (نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر: «مباد که حکومت خود را با ریختن خون حرام تقویت کنی، زیرا ریختن چنان خونی، نه تنها حکومت را ناتوان و سست سازد، بلکه آن را از میان برمی دارد یا به دیگران می سپارد. اگر مرتکب قتل عمدی شوی، نه در برابر خدا معذوری، نه در برابر من، زیرا قتل عمد موجب قصاص می شود. اگر به خطایی دچار گشتی و کسی را کشتی یا تازیانه‌ات، یا شمشیرت، یا دستت، در عقوبت از حد درگذرانید، یا به مشت زدن و یابالاتر از آن، به ناخواسته مرتکب قتلی شدی، نباید گردنکشی و غرور قدرت تو، مانع آید که خون‌های مقتول را به خانواده‌اش بپردازی.»)، ولی در عین حال، در صورت اصرار عده ای به برهم زدن نظم و امنیت عمومی و بی قانونی، با آنها به پیکار برمی خیزند و خون عده زیادی را در این راه می ریزند. (جنگهای جمل، صفین، نهروان با همین عناوین اتفاق افتادند. همچنین نامه ۲۹ نهج البلاغه بیانگر تهدید ایشان نسبت به مردم بصره است که در صورت نپذیرفتن نظر حکومت با آنها به پیکار خواهد خواست: «اگر هم اکنون کارهای ناروا و اندیشه های نابخردانه شما را به مخالفت و دشمنی با من بکشاند سپاه من آماده و پا در رکابند و اگر مرا به حرکت دوباره مجبور کنید، حمله ای به شما روا دارم که جنگ جمل در برابر آن بسیار کوچک باشد.») سوم - ایشان حاکمان را به جلب نظر قاطبه مردم دستور می دهد و تأکید می کند که خواص، افراد همیشه ناراضی هستند (نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر: «باید که محبوبترین کارها در نزد تو، کارهایی باشد که با میانه روی سازگارتر بود و با عدالت دمسازتر و خشنودی رعیت را در پی داشته باشد، زیرا خشم توده‌های مردم، خشنودی نزدیکان را زیر پای بسپرد و حال آنکه، خشم نزدیکان اگر توده‌های مردم از تو خشنود باشند، ناچیز گردد. خواص و نزدیکان کسانی هستند که به هنگام فراخی و آسایش بر دوش والی باری گران‌اند و چون حادثه‌ای پیش آید کمتر از هر کس به یاریش برخیزند و خوش ندارند که به انصاف درباره آنان قضاوت شود. اینان همه چیز را به اصرار از والی می طلبند و اگر عطایی یابند، کمتر از همه سپاس می گویند و اگر به آنان ندهند، دیرتر از دیگران پوزش می پذیرند. در برابر سختیهای روزگار، شکیباییشان بس اندک است. اما ستون دین و انبوهی مسلمانان و ساز و برگ در برابر دشمنان، عامه مردم هستند. پس باید توجه تو به آنان بیشتر و میل تو به ایشان افزونتر باشد.»)، در عین حال به دور نمودن افراد عیب جو از خود و همچنین پنهان کردن برخی از حقایق از آنان دستور می دهند. (نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر: «آنان که عیب‌جو ترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که والی در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، ... پس چندان که می توانی زشتی ها را بپوشان.»)

ط - در دو جای قانون اساسی راجع به صدا و سیما مطالبی آمده است که ذکر آن ها در اینجا خالی از لطف نیست: اول - اصل ۱۷۵: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تامین گردد. نصب و عزل

رییس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رییس جمهور و رییس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می کند. دوم: مقدمه قانون اساسی: «وسائل ارتباط جمعی و وسائل ارتباط جمعی (راديو - تلویزیون) بایستی در جهت روند انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت های تخریبی و ضد اسلامی جدا پرهیز کند. پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت اینا بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می گشاید بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مومن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد.» (و کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهدا علی الناس).

۲۴- حضور نیروهای نظامی و بسیجی در ستادها و متینگهای یک نامزد خاص، نقض صریح ماده ۴۰ قانون جرائم نیروهای مسلح است.

الف- معلوم نیست منظور از «حضور» نیروهای نظامی در انتخابات چیست؟ روشن است که مطلق حضور در انتخابات برای نظامیان در قانون منع نشده است. اگر منظور ایشان حضور در ستادهای انتخاباتی و فعالیت به نفع یک کاندیدا باشد که این قطعاً ممنوع است. اما ایشان باید برای این ادعای خود سند و مدرک داشته باشد. ایکاش لاقبل به یک مورد از زمانها و یا مکانهایی که چنین نیروهایی در انتخابات مداخله کرده اند اشاره می کردند؛ به خصوص که از قبل با تشکیل «کمیته صیانت از آرا» آمادگی چنین نظارتی را داشته اند.

ب- با توجه به اینکه ستاد آقای موسوی با به کارگیری یک سردار بازنشسته به تأسیس شاخه بسیجیان اقدام نمود و رسماً به عضو گیری از بسیجیان می پرداخت، اعتراض ایشان به حضور بسیجیان در میتینگهای رقیب کمی عجیب به نظر می رسد.

ج- حتی اگر نظامیانی در تبلیغات انتخابات حضور یافته باشند رسیدگی به جرائم آنها بر عهده دادگاه ویژه نیروهای مسلح است. این «جرم» حتی در صورت وقوع ربطی به وزارت کشور و دولت - که از نظر آقایان متهم ردیف اول «تقلب گسترده» در انتخابات هستند - ندارد. این امر تقلب نیست و اگر هم باشد آقای موسوی نیز چنانکه در بند بالا گفته شد متهم به تقلب در انتخابات هستند.

۲۵- چرا در برخی از بخش ها و نواحی، بیش از ۲۰٪ تعداد کل آرای صندوق، مضر ب صد بوده است؟ (ادعا شده در گزارش پایانی کمیته صیانت از آرای آقای موسوی، که از ماه قبل از انتخابات ایجاد شده بود)

الف- این ۲۰٪ در بعضی نواحی وجود داشته است؛ اما این "بعضی نواحی" کم است و در بعضی روستاها است. با توجه به این که در خیلی روستاها، کل روستا طرفدار یک نامزد است، چنین موارد اختلافی بسیار اندک خواهد بود. این مقدار بسیار کوچکتر از آن است که برای ادعای تقلب مورد استناد قرار گیرد.

ب- متأسفانه برای همین مورد نیز کاندیداها در مدت طولانی، هیچ گونه اعتراض قانونی انجام نداده اند. و هیچ سندی هم در آن نواحی ارائه نکرده اند.

ج- در اینگونه موارد که به روابط انسانی مربوط می شود، نباید به صورت مکانیکی و ماشینی برخورد کرد. به خصوص که مسائل مختلفی می تواند باعث این شکل از آرا شده باشد: مثلاً در یک روستای کوچک که تعرفه (۱۰۰ تایی) تمام شود، دیگر نمی صرفد برای چند نفر باقیمانده زنگ بزنند از مرکز تعرفه جدید بفرستند. راحت تر است که به رأی دهنده بگویند برود روستای بغل رأی بدهد! یا مثلاً مجری می بیند از بسته ی ۱۰۰ تایی تعرفه عدد ۳ تا مانده، می گوید بروید به فلانی و بهمانی که هنوز رأی نداده اند، هم بگویند بیایند رأی بدهند! و موارد دیگری از این قبیل.

د- در بعضی روستاهایی که آقای موسوی رأی قاطع آورده است هم شاهد همین مضر ب ۱۰۰ صندوق هستیم. در دوره های قبل هم این مورد بوده است.